



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : قوانین - تصویبنامهها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی - مذاکرات مجلس سنا  
اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامهها - بخشنامهها - آگهیهای رسمی وقانونی و سؤالات

شماره ۱۵۴۳

شنبه ۲۰ خرداد ماه ۱۳۲۹

سال ششم

دوره شانزدهم قانونگذاری

شماره مسلسل ۲۱

دکتر شایگان و آقای حائریزاده سؤالاتی از دولت کرده اند که اینها باید مطرح بشود وجواب داده بشود بخدمت گزارش است.

نبوی - اجازه بدهید بنده تذکری بدهم .  
پیراسته - بنده هم غایب نبودم آقای رئیس دیر آمدم .

## ۱ - قرائت گزارش کمیسیون آئین نامه راجع باصلاح آئین نامه داخلی

رئیس - بسیار خوب اصلاح میشود گزارش کمیسیون آئین نامه رسیده است که قرائت میشود تا خاطر آقایان مستحضر باشد.  
(بشرح زیر قرائت شد)

گزارش از کمیسیون آئین نامه به مجلس شورای ملی .

کمیسیون اصلاح آئین نامه داخلی مجلس روز ۱۴ خرداد ۱۳۲۹ بریاست آقای مخبر فرهمند تشکیل گردید ماده واحده تنظیمی آقایان نمایندگان که يك فوریت آن درمجلس تصویب شده بود مطرح مذاکره واقع هبتاً مورد تصدیق و تصویب کمیسیون واقع شده اینک خبر آن برای تصویب تقدیم میشود :

ماده واحده - مجلس شورای ملی مقرر میدارد که اصلاحات تنظیمی بوسیله کمیسیون منتخبه در آئین نامه داخلی مجلس شورای ملی موقه بوقوع اجرا گذاشته شود.

مخبر کمیسیون اصلاح آئین نامه - دکتر هدایتی رئیس - این گزارش برای چاپ فرستاده می شود و ممکن است جلسه آینده مطرح بشود  
دکتر بقائی - خواهش میکنم حالا طرح بفرمائید

رئیس - این حالا باید چاپ بشود و توزیع بشود در جلسه آینده طرح میشود - آقای حائری زاده

# مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۳۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز شنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۲۹  
فهرست مطالب

- ۱ - قرائت گزارش کمیسیون آئین نامه راجع باصلاح آئین نامه داخلی .
  - ۲ - بیانات آقای دکتر بقائی نسبت بمطالب جلسه قبل آقای وزیر راه .
  - ۳ - طرح هفت فقره سؤال آقایان : حائریزاده ، آزاد ، مکی ، دکتر شایگان ، صفائی ، ارباب ، فقیه زاده ، برومند ، کهید از آقایان وزرای کشور و دادگستری و بهداری و فرهنگ و دارائی و جواب آنها .
  - ۴ - تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه .
- مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید
- رئیس - صورت اسامی غائبین جلسه قبل  
فهرست مطالب
- فهرست مطالب
- ۱ - قرائت میشود  
(بشرح زیر قرائت شد)
- غائبین با اجازه آقایان : عرب شببانی ، فرهودی  
منصف ، صاحب جمع ، امینی ، آشتیانی زاده ، اسکندری  
پیراسته ، طباطبائی .
- غائبین بی اجازه - آقایان : صفوی ، دکتر مصباح  
زاده ، شوشتری ، فهردان ، سنندجی ، دکتر طباطبائی ،  
حسن اکبر ، تیمورتاش ، مهدوی ، خسروانی ، دکتر  
سید امامی ، معذل
- دیر آمدگان با اجازه - آقایان : شکرانی ،  
دولت آبادی ، گنجی ، دکتر راجی ، سلطانی .
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : خسرو قشقائی  
۳۰ دقیقه ، نفع الاسلامی ۳۰ دقیقه ، تولیت ۳۰ دقیقه

**سؤالی کرده بودند**  
**دکتر بقائی** - نوبت ما محفوظ بود در آخر جلسه گذشته برای جواب  
**رئیس** - صحیح است. بسیار خوب حالا که آقای دکتر اقبال نیستند  
**دکتر بقائی** - نغیرما باید جواب بدهیم  
**رئیس** - بفرمائید  
**نورالدین امامی** - باید وزیر راه باشد  
**۲ - بیانات آقای دکتر بقائی نسبت به مطالب جلسه قبل آقای وزیر راه**  
**رئیس** - نغیر مانی ندارد بفرمائید آقای دکتر بقائی

**دکتر بقائی** - در جلسه گذشته جناب آقای دکتر اقبال بعنوان جواب آقای مکی شرحی بیان کردند که در حقیقت جواب باهامانی بود که بنده نسبت به همایلت سوه وزارت راه وبنگاه راه آهن در روزنامه مطرح کرده بودم و باینجهت اجازه میخواستم که توضیحاتی در این باره عرض مجلس شورای ملی برسانم ومدار کی هم که در این قسمت هست البته به کمیسیون عرایض تقدیم میشود که رسیدگی میکنند در این مبارزه ای که ما شروع کردیم برای راه آهن یک نظر عمده و کلی هست و آن آزاد کردن کشور از هر نوع استعمار اقتصادی است موضوع معامله لکوموتیوها وقراردادی که در شرف انعقاد است یک گوشه کوچکی از اوضاع این مملکت است که بنده تصادفاً اطلاع حاصل کردم ولی این خودش یک نمونه بارز و روشنی است از مدخل بعضی از همسایگان ما در امور کشوری، در این موضوع راه آهن ما یک مسئله خیلی اساسی برمیخوریم که جناب آقای دکتر اقبال در ابتدای صحبتشان بطور سفسطه آمیز این را رد کردند و این موضوع طلاست که بطور خیلی خلاصه بنده حضور آقایان محترم عرض میکنم

آقایان بخاطر دارند که در موقع طرح ۲ دوازدهم فروردین وارد بیست و ۲۸ یک تبصره ای تقریباً بدون اینکه کسی متوجهش بشود در مجلس گذشت که طبق این تبصره طلب ما از متفقین مبلغ ۷۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال ایره شناخته شده بود در صورتیکه آقایانی که نا اندازه ای وارد هستند در این موضوع میدانند که مطالباتی که ما برای راه آهن داشتیم خیلی بیش از ۱۰ برابر این مبلغ میشد این مبلغ بتصویب مجلس رسید و طبق قرارداد سه جانبه تیرماه ۲۰ میلیاردی مثل سایر وجوهی که ما طلبکار بودیم از متفقین ۶۰ درصدش باید بطلاده شود و ۴۰ درصدش بلیه کاغذ ( مگر جناب آقای دکتر بقائی این مبلغ بتصویب مجلس نرسیده ) جا زدند بطور حقه بنده این را عرض کردم که بطور حقه بجنس جا زدند چون اگر خاطر آقایان باشد آنشب دوشنبه کذائی که ابسترو کسیون شد و مجلس از اکثریت افتاد یکدفعه گذراندند بدون اینکه آن تصویب نامه ها و تبصره ها خوانده بشود حالا کاری ندارم این مبلغ بایستی ۶۰ درصدش بطلاده بشود و روی این موضوع مکاتبات شد مذاکرات شد بین راه آهن، وزارت راه و وزارت دارائی و مدارک مثبتی در این موضوع هست حتی وزیر دارائی وقت بداراره شکل

کمرک میبویسد که چون راه آهن مقداری طلا دریافت خواهد کرد و باید این طلا را در بازار آزاد بفروشد و اعتبار زیادی خواهد داشت شما باز هم به راه آهن اعتبار بدهید و چیزهای گمر کیش را فعلا بطور نسبه خارج بکنید این جریان بود یکدفعه مصادف شد با تنزل لیره و عیناً آن ۷۰۰۰۰۰۰ لیره را تبدیل کردند لیره تنزل یافته گفتند ۸۲۰۰۰۰۰ لیر ششاهفتان است و تفاوت این معامله در حدود ۱۸۰ میلیون تومان میشود یعنی یکمبارد و هشتصد میلیون ریال ولی این هم مثل بسیاری از چیزهای دیگر یک پرده و سکوت و تاریکی روی آن را گرفته بنده برای اینکه وقت مجلس شورای ملی را ننگرفته باشم و آتانهائی را که میخواستم امروز شرح بدهم در روزنامه در شماره امروز روزنامه صغیر مورخه یکشنبه ۱۴ خرداد نوشته ام تقدیم مقام ریاست میکنم که در صورت جلسه دستور بفرمائید منعکس بشود فقط دوسه مطلب هست که لازم است توضیح عرض کنم، یکی جناب آقای دکتر اقبال در جواب بنده فرمودند که دستور دادم کمیسیونی از آقای مهندس فلان و فلان و فلان تشکیل بشود و اینها بسیار مردمان خوبی بودند بنده هم تصدیق دارم که اینها بسیار مردمان خوبی، عاملی، بصیری، درستکاری و وطنپرستی هستند، بنده هم این را تصدیق دارم ولی یک چیز را فراموش کردند بفرمائید و آن اینست که چه ترتیب اثری بنظر بیانات این مهندسین دادند فقط گفتن که ما یک کمیسیونی از اشخاص بسیار خوب تشکیل دادیم کافی نیست، این کمیسیونی که ایشان از یکدکه آقایان بسیار خوب تشکیل داده اند بنده از نزدیک بعضی از این آقایان مهندسین را میشناسم بعضیهاشان را دیده ام، بعضیهاشان را هنوز ندیده ام، میدانم بسیار مردمان درستکار و صحیح العمل و دلسوزی هستند و بنده که این را میگویم استناد میکنم بگزارش خود این مهندسین، این مهندسین در کمیسیون عالی خرید که تحت نظر جناب آقای دکتر سجادی منعقد میشد یک نظریاتی دادند صورت جلسه هائی هست این صورت جلسه ها حاضر بود برای اعضاء و ابلاغ برنده مناقصه که کابینه تغییر کرد و جناب آقای دکتر اقبال شدند وزیر راه و تمام این پرونده ها را گرفتند گذشتند توی کشو میزشان مدت ۴۵ روز اینها در آنجا را که مانده در صورتی که فوریت خرید لوازم راه آهن بر هیچکس پوشیده نیست بعد از ۴۵ روز نامه ای از سفارت انگلیس رسید بامضای مستر جون و والتر که مستشار اقتصادی سفارت انگلیس است طی آن نامه می نویسد که ما با کمال خوشوقتی پیشنهاد جدید کارخانجات انگلیس را تقدیم می کنیم و امیدواریم که اینها مورد تصویب واقع شود اولاً بنده سؤال می کنم که این ۴۵ روز این گزارشا چرا را کسانده تا بنیاً سؤال می کنم مگر وزارت خارجه این بودجه را که می گیرد برای چیست؟ چه حق دارد مستشار اقتصادی سفارت انگلیس که مستقیماً با وزارت راه مکاتبه بکند و بعد از این مکاتبه تمام این گزارشات این مهندسین عالمه مقامی را که آقای دکتر اقبال پشت

این تریبون نشوند کنار گذاشته شد دستور داده شد که با همان کمیته های انگلیسی معامله بشود بنده تمام اعتراضاتم راجع باین بود که این معامله برخلاف اصول است اولاً و بضرر فاحش مملکت ایران است تا بنیاً آنوقت در جواب جناب آقای دکتر اقبال همایش می فرمائید که فروشتال بد بوده بنده فعلا تصدیق میکنم گو اینکه همین گزارش آقای شیمی را که ایشان خواندند که مهندس هم نیست بسیار مرد خوبی است شنیدم ام ولی نمی شناسمش گفتند آدم خوبی است ولی مهندس نیست و اطلاعاتی در این خصوص ندارد ومدار کی بنده در همین جا دارم که همین آقای شیمی در سه سال قبل یا چهار سال قبل خلاف این گزارش را که داده بجناب آقای دکتر اقبال توی مجله راه آهن و مردان روز خلاف این را نوشته تمام مطالب هم مربوط بلکوموتیوهای ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ و ۲۰ است یعنی قبل از ۲۵ است و بنده نمی دانم چطور شده که در ۱۳۱۵ آقای مهندس شیمی می نویسند این لکوموتیوها خوبست و حالا گزارش می دهند بآقای دکتر اقبال که اینها بد است و من یک جمله اش را فقط می خوانم صحبت از لکوموتیو های امریکائی میکند ایشان می گویند راه آهن اینک نوع دیگری از لکوموتیوهای ۴۲ دارد که بنام میکاد و معروف است و همان ۷۰ لکو موتیوی است که اخیراً از امریکا خریداری نموده و از نقطه نظر کشش خیلی از نوع ۴۲ سوندی قویتر است این را دقت بفرمائید. ۵۱ و بانوع ۵۱ فروشتال کاملاً رقابت می کند، در تریف لکوموتیو امریکائی ایشان می نویسند که این با فروشتال کاملاً رقابت می کند یعنی طبق این نوشته ایشان خوبی این لکوموتیوهای فروشتال را تصدیق کرده اند حالا آقای دکتر اقبال بایشان لقب مهندسی داده اند در صورتیکه ایشان مهندس نیستند و گزارش می دهند که لکوموتیوهای فروشتال از روز اول بد بوده بنده باین موضوع کاری ندارم اینجا یک حکایتی هم یادم آمد که خدمت آقایان عرض می کنم، می گویند یک نفر رفته بود توی یک خانه ای دزدی، صاحبخانه بیدار شد از او پرسید که تو اینجا چکار می کنی؟ گفت تو چرا برای مادر زنت کفش نمیخوری؟ گفت مرد که بتوجه که من برای مادر زنت کفش نمیخرم او هم گفت بتوجه که من آمدم اینجا این عین و حقیقت جواب آقای دکتر اقبال است بنده می گویم این قرار دادی که با انگلیسها دارند منعقد می کنند با مدارک ثابت می کنم که خیانت باین مملکت است می گویند که لکوموتیو های فروشتال بد است بنده هم قبول دارم بنده هیچوقت نمی گویم که با فروشتال معامله کنید یک چیز هائی هست آقایان که من نمی خواهم وقت مجلس را بگیرم چون وقت مجلس ذیقیمت است و می توانم در روزنامه بنویسم ولی نمی دانم آدم اینها را کجا بگیرد همین پیشنهادی که از انگلیسها رسیده و پیشنهاداتی که از آلمانها رسیده انگلیسها در مقابل از مالیره نقد می گیرند و آلمانها در مقابل روده خشک و خشکبار میگیرند، این یکی، بنده باین هم کاری ندارم که یک چیزی هم که متعلق باحساسات قلبی

خود بنده است و مربوط بسوطن خود بنده است آقایان می دانند قسمت عمده اقتصادیات کرمان روی قالی است و الان در اثر کساد ی بازار ایران و در اثر بیعالی دولت های ما که در مقابل محدودیتهائی که دول خارجی قائل میشوند هیچ اقدامی نمی کنند نه تنها صنعت قالی از بین رفته بلکه کرمان را به با خطر قنای محض است چون فقط یک بازار باقی مانده برای کرمان و آن بازار امریکاست اینها هم قالی را بطور ثابت فوتی ۳ دلار میفرند یعنی متر مربعی ۲۷ دلار و کسری حالا این اگر متر مربعی برای ما ۱ دلار تمام بشود می توانیم ۲۷ دلار بفروشیم و اگر ۷۰ دلار هم تمام بشود باید ۲۷ دلار بفروشیم و روی این اصل تمام قالیبافهای کرمان در خطر ورشکستگی هستند (صحیح است) دولت انگلستان اگر ما بخواهیم این معامله ۲ میلیون لیره ای را با او بکنیم ورود قالی را بکشور انگلستان منع کرده در برابر دولت، یعنی کپانی های فرانسوی پیشنهادی داده اند که این لکوموتیو ها را طبق مشخصات بنز لترین قیمتی گذر مناقصه بدست می آید با ما بفروشند و در مقابلش قالی ببرند آقایان شما را بوجداتتان قضاوت کنید در مقابل این دو پیشنهاد خیانت نیست که ما بدهیم بانگلستان این معامله را و یک مطلب دیگر، ایشان همه اش فرمودند فولاد انگلیسی مرغوبتر است فولاد آلمانی غیر مرغوب است بنده کاری باین ندارم که شهرت کارخانه های آلمانی چطور است، کار بآن ندارم که استاد جناب آقای دکتر اقبال باین بود که ما ۲۴ لکوموتیو از انگلستان خریدیم از کارخانه روکنان فوندری که این ۲۴ لکوموتیو را ده سال پیش ما خریدیم هنوز تحویل نداده اند اینها راه حالاً ما استناد میکنیم که این ۲۴ لکوموتیو را که ما خریده ایم باقی را هم باید از اینها بخریم در صورتی که ده سال است اینها را نداده اند و کلاه عجیبی سر ایران گذاشته اند که بحث جدا گانه ای دارد فعلا نمی خواهم مصدع آقایان بشوم ولی یک مطلب را میگویم. آقایان می دانند که برای خریدهای ماشین آلات و اینها در اروپا یک مؤسسه ای هستند که بعنوان مؤسسه بازرسی نامیده میشوند، جناب آقای وارسته فرضا میخواستند که یک دستگاه عظیمی بخرند، دستگاه زراعتی یا هر چیزی که خودشان وسیله ندارند بروند آنجا و تخصص هم ندارند بیکی از این مؤسسات میبویسند که آقا من میخواهم یک ماشین آلای با این مشخصات از یک کپانی سوئدی یا آسیائیولی یا الجزایری بخرم شما رسیدگی کنید که طبق مشخصات باشد و یک حقی باین مؤسسه میبرازند و این مؤسسه مثل یک مستخدم دلسوز رسیده گی میکند و طبق مشخصات تحویل میدهد و این مؤسسات البته برای حسن شهرتشان در دنیا مجبورند که کمال دقت را بکنند اتفاقاً تمام خریدهای که راه آهن ایران از اروپا کرده چه از آلمان چه از فرانسه چه از سوئد چه از بلژیک و چه از انگلستان تمام اینها بوسیله یک مؤسسه انگلیسی بود بنام (رابرت هونک) که این مؤسسه مهندسی میفرستاده

فرضا با آلمان تشخیص میدادند که این لکوموتیوی که ساخته شده طبق مشخصات هست یا نیست وقتی که متخصص این مؤسسه تصدیق کرده که طبق مشخصات هست آنوقت ما تحویل گرفتیم بنابراین این مثال یارچه نیست که بگوئیم یارچه ابطالیائی مرغوب تر است یا یارچه انگلیسی این عمل راه آهن هم مثل حلی سازی نیست که فولاد یا آهنی که برای هر قسمت بکار میرود یک مشخصات معینی دارد یک ترکیبات معینی است یک آلیاژهای معینی است که باید طبق آن مشخصات باشد و وقتی که طبق آن مشخصات شد دیگر فولاد آلمانی و فرانسوی و انگلیسی ندارد این فقط و فقط یک سفسطه است چون مؤسسه انگلیسی رابرت هونک خودش مأمور رسیدگی است که طبق مشخصات باشد...  
**رئیس** - آقای دکتر بقائی وقت دارد تمام میشود  
**دکتر بقائی** - عرض کنم یک موضوع دیگری فرمودند که یولهای مادر انگلستان بلو که شده بود راجع براه آهن آنهم بکنی خلاف حقیقت بوده و بنده تکذیب میکنم در هر صورت سه طرف برای این معامله وجود داشته البته آمریکائی ها هم بودند ولی این سه طرف یک طرف انگلیس ها هستند که میخواهند با پول نقد جنس را با ما بفروشند که بنده در کمیسیون عرایض ثابت خواهم کرد که اینها نمیتوانند زودتر از ۳ سال با ما تحویل بدهند طرف دیگر پیشنهاد آلمانی ها است که در مقابلش از ما روده خشک و خشکبار بگیرند طرف دیگر هم فرانسویهاست که در مقابل لکوموتیو از ما قالی میگیرند آقایان خواهش میکنم این مبلغ را خودشان حساب کنند ببینند که چند هزار نفر قالی باف باید که معامله لکوموتیو به نوائی میسرند در صورتیکه ما داریم لیره ها را زودتر تقدیم انگلیس ها میکنیم.  
**رئیس** - آقای دکتر بقائی وقتان دیگر گذشته است  
**دکتر بقائی** - این قبل از دستور که نبود خیلی متشکرم بنده بیش از این توضیحی نمیدم آقایان اگر اطلاعات بیشتری بخواهند روزنامه در اختیارشان هست در آنجا توضیحات تکمیلی را ببینند اما یک موضوع دیگری بود که بنده می خواستم اجازه بگیرم که آقایان اگر لطفاً اجازه بدهند اینجا مطرح کنم آقایانیکه در دوره ۱۵ اینجا تشریف داشتند گمان میکنم این شهادت را برای بنده بدهند که بنده هیچوقت از این مجلس راجع بخودم صحبتی نکردم و اگر آقایان اجازه بفرمائید چند کلمه راجع بدفاع مشروع حیات خود میخواهم عرض آقایان برسانم و ضمناً یک مطالب مهمی هست که باید آقایان نمایندگان استحضار داشته باشند در صورتیکه اجازه بفرمائید بنده چند کلمه عرض میکنم  
**رئیس** - بسته بنظر آقایان است (جمع میزنند) آقایان گمانی ندارد) کسی مخالف نیست بفرمائید  
**دکتر بقائی** - عرض کنم در چند روز قبل در این کشور یک سانحه ای اتفاق افتاد که آنطوریکه باید و شاید من ندیدم که آقایان محترم و حتی روزنامه های بنده موضوع توجه کرده باشند و آن موضوع ترور مرحوم دهقان بود بنده باین موضوع کار ندارم که از اعلاض سیاسی با

مرحوم دهقان در دوصف کلام مخالف بودیم و با هم مبارزه میکردیم ولی در اینجا یک چیز را بنده در نظر نمیگیرم و آن این است که دهقان یک نماینده مجلس بود اعتبار نامه اش در این مجلس به تصویب رسیده بود با ما توی مجلس می نشست صحبت میکرد همکاری میکرد و او اینک در دوصف مخالف بودیم این موضوع جنبه شخصی و خصوصی بود ولی یک چیز دیگری خیلی اهمیت داشت که یک نماینده مجلس گشته میشود، در دوره گذشته یک نماینده مجلس را زدند سبلی زدند توی گوش یک نماینده ای که همه آقایان میدانند مرد شریف و وطن پرستی بود و مبارزه ای را هم که آغاز کرده بود فقط برای خدمت بمملکت بود و او مهندس رضوی بود چون گوشه ای از پرده فساد را بالا زده بود در صحن مجلس او را زدند و چون آنطوریکه باید باین ترتیبیاری داده نشد یعنی آنطوریکه باید مجلس از این قضیه متأثر نشد حالا یک نماینده ای را کشتند هیچ دلیلی ندارد که این عمل ادامه پیدا نکند هیچ دلیلی ندارد که فردا آقایان دیگر و بنده را نکشند این عرایضی که بنده میکنم از اعلاض ترس نیست گمان میکنم احتیاجی نباشد که به آقایان عرض کنم بنده از مرمک نمیترسم برای اینکه اگر میترسیدم حالا اینجا نبودم یا اگر هم بودم یک صورت دیگری بود این عرایضی که من میکنم از اعلاض ترس نیست این عرایض یک چیز های اصولی است که بنده میخواهم بعرض نمایندگان محترم برسانم و توجهشان را جلب کنم راجع باین بازرسی که از قائل مرحوم دهقان میشود آقایان میدانند که حرفهای گوناگونی گفته میشود ولی آنطوریکه می بینم پلیس و دستگاه دادگستری بطوریکه باید و شاید بوظایف خودشان عمل نمیکند و دارد این قضیه هم ماست مالی میشود از مد میافتد و فراموش میشود در همه جای دنیا وقتی که یک جنایتی اتفاق می افتد کوچکترین کشفی که راجع باین جنایت میکنند فوری در روزنامه های می نویسند و هیچوقت نمیگویند چون تحقیقات ناقص است فعلاً چیزی نمی نویسیم (صحیح است) چون وقتی که نوشته تحقیقات ناقص است، چیزی نمی نویسیم معنای حقیقی این است که ما میخواهیم پرونده بازیم و چون ممکن است یک مقدار اطلاعاتی فعلا داده بشود بعد اسباب زحمت ما بشود ما فعلاً چیزی نمی نویسیم نمونه فراوان دارد اگر آقایان همین انتخابات دوره های اخیر توجه بکنند بخوبی می بینند تعداد آراء که نوشته شده بعداً اسباب زحمت آدم میشود بنابراین میگویند بهتر است نویسیم و آن آخرش صورت جلسه بکنیم اینهم عیناً همان موضوع است باید در اطلاعی که بدست می آید در معرض افکار عمومی واقع شود این مطلب کاملاً غلطی است که چون من حسن را گرفته ام و اگر زید بداند حسن گرفته شده در میرود خیر اگر زیدی در کار باشد حتماً زود تر از شهر بانی خبر میشود که حسن را گرفته اند و در میرود این فقط برای در پرده نگاه داشتن و بعد هم برای خفه کردن است و اصولاً عادت شده در این مملکت در چند وقت پیش در شاهی یک جریانی اتفاق افتاد یک عده ای کشته شدند این چیز مسلمی است که ما میدانیم هزار حرف در اطراف این زدن یک هیئت هم رفتند برای



رسیدگی و برگشتند آقای نخست وزیر هدایت و همد فرمودند که گزارشی بدهند چطور شد آیا هیچ از گزارش خبری شد هیچکس فهمید که در شاهی چه خبر بوده کی مسئول اینکار بوده کی باید تئیه بشود این ماهمه تمام شد این موضوع هم اگر این صحبت‌های بنده امثال بنده (صفاقی - بسفوال آقای دکتر کاسبی هم در این موضوع جواب ندادند) معلوم است نباید جواب بدهند این موضوع باید فراموش بشود و در این موضوع بنده شخصاً يك اطلاعاتی دارم که بخوام عرض مجلس برسانم يك اطلاعاتی هم به بنده داده شده آقایانی که باداد گسرتی سر و کار داشته باشند میدانند که هر اطلاعاتی از هر منبعی باشد ولو بی امضا این قابل رسیدگی و قابل طرح در محکمه است بنده يك شرح مختصری را عرض آقایان میرسانم این شرح حال این فائل است چون این موضوع را روشن میکنند

معلوم با ما موریت مهمی از تهران وارد آبادان می‌گردد (نورالدین امامی - آقای دکتر بقائی این چیست می‌خواهی؟) و در چهارمین جلسه بازرسی جعفری شرکت میکند و در رهبری بدست می‌گیرد و با او طرح دوستی می‌ریزد تصور می‌کند که شکار خوبی برای ما موریت آید بنده بچنگش افتاده است

باو وعده کمک می‌دهد و او را به خرمشهر نزد دریادار ظلی فرمانده نیروی دریایی جنوب عضو مؤثر باند رژیم آراه مطلع از ما موریت جدید سر کرد نقشه می‌ببرد در راه معلوم نیست چطور نقشه جعفری را حاضر می‌کند که اولاد نفر از جاسوسان شهر بانی را بنام رابطین حزبی آبادان بستاند معرفی کند و بدین ترتیب شهر بانی زاهدی را پیش از پیش بفتح ارتش رژیم آراه خراب کند و ثانیاً در نزد ظلی همه گونه ما موریتی را متقبل بشود سرتیب ظلی بجعفری تفقد فراوان میکند و حتی به طوریکه بعدها شنیدیم از او می‌خواهد که در کشف محل روزنامه مردم به ارتش و نه شهر بانی کمک کند و جعفری هم قول مساعد می‌دهد و چون مخصوصاً در روز همتی اخیر جعفری خود را کاملاً در اختیار ارتش گذاشته است ظلی خوشوقت

میشود و به شرکت نفت که خود در جریان قضیه است توصیه می‌کند که دوباره با همان حقوق مکنی بکار گمارده شود اینجا يك نکته را عرض آقایان میرسانم و او اینست که این جعفری هر چه بود يك دفعه عضو شرکت نفت بود، اخراجش کرده‌اند، دوباره برگشته عضو شرکت نفت شده آنوقت روزنامه اخبار روز مال آبادان مال شرکت نفت می‌نویسد مرحوم دهقان بدست یکنفر ناشناس بقتل رسیده این قضیه گمان می‌کنم جالب توجه باشد چون اگر روزنامه‌های ما می‌نوشتند ناشناس این يك چیزی بود ولی شرکت نفت که دو دفعه او را استخدام کرده و مدتی هم با جعفری کشمکش داشته چطور می‌تواند در روزنامه ارگان خودش بنویسد دهقان بدست یکنفر ناشناس بقتل رسیده است این يك نکته است حکم مجدداً استخدام جعفری در شرکت نفت صادر می‌شود شرکت نفت موافقت می‌کند که جعفری قائل سر لشکر زاهدی رئیس شهر بانی و دکتر بقائی باشد خیلی معزرت می‌خواهم از آقایان این را چون مربوط بخودم است میگویم جعفری با مرخصی از شرکت نفت تهران اعزام میشود

هنوز قبل از عهد نوروز ۱۳۲۹ است در تهران جعفری مأمور میشود با حزب توده ایران تماس بگیرد ولی چون نقش او و ارتباطش با استاد و سرگرد نقشه مخصوصاً معلوم است هیچکس باوروی نشان نمیدهد و نفر «رابطین آبادان» را طبق دستور نقشه به ستاد معرفی می‌کند و نقشه او را نزد سرتیب گیلان شاه می‌برد گیلان شاه که همکار سرتیب ظلی و بلاواسطه مربوط به رژیم آراه است جعفری را مأمور «تفقد» قرار میدهد و از اینکه او حاضر شده است ضمنتاً عمل روزنامه مردم را نشان دهد از خوشوقتی میکند و باو قول میدهد که اگر ما موریتش را انجام دهد که با خود رژیم آراه ملاقاتش دهد اما خبری کجا کی از این ملاقات باشد بدست ما نرسیده

است نقشه مأمور میشود که او را برای ترور زاهدی آماده کند اسمی از بقائی حلالدر میان نیست جعفری هر روز بنزد نقشه در رفت و آمد است حالا دیگر با عده کثیری از اعضاء رکن ۲ آموزش دارد ولی نزدیکی او با نقشه و خانواده اش بیشتر است

پس از یک هفته نقشه با او راز را بیان میدهد میگوید که محمد مسعود تحت سرپرستی او و یکمک کسانی گشته شد که بعداً «از سر» باز دهند با او وعده میدهد که اگر در قتل زاهدی اقدام کند اولاً وسائل فرارش را آماده میکنند و ثانیاً احمد دهقان در مجلس از او طرفداری میکند از همه مهمتر رژیم آراه او را بانگلستان میفرستد و اگر حاضر نشود ۵۰۰۰ جعفری میفهمد که اگر حاضر نشود از بین می‌رود زیرا دیگر از سری با خبر است که مطمئن آن نباید زنده باشند قبول میکند

دو دوازده روز از عهد نوروز گذشته است جعفری خبر میدهد که فردا موعد ترور زاهدی است شب قبل از فردای عمل نقشه باز در خانه اش از او پذیرائی میکند

بدین ترتیب يك جوان بی تجربه مسلول نا امید از زندگی که دیگر مثل گنجشک در دست ستاد ارتش است مسحور میشود صبح فردا باو خبر میرسد که اجراء نقشه عقب افتاده و با آبادان بر میگردد در این مورد حدس هائی زده میشود که یکی از آنها مربوط به انتخابات تهران است جعفری در آبادان پیش از پیش تنفر زحمتکش را نسبت بخود حس میکند حتی یکبار تصمیم باانتعار میگیرد ولی منصرف میشود اگر انتیجنت سرویس با عجله او را در زندان نکشد و بگذارد که او بدادگاه برسد ممکن است که بگوید چرا شخصاً و هلی رخم نقشه ای که در دستش داده‌اند تصمیم بقتل دهقان میگیرد این را هم ضمناً عرض می‌کنم خدمت آقایان که صبح خبر انتعار جعفری را بنده شنیده‌ام ولی این را پشت تریبون عرض نمی‌کنم که بهر نحوی جعفری قبل از مذاکه به بعد ملت ایران خواهد دانست که از کجا بوده و این يك چیزی است

که من می‌خواستم پشت این تریبون گفته شود او در دادگاه اگر دوباره گولش زنند تحت تأثیرش قرار ندهند ممکن است خیلی چیزهای دیگر بگوید باری چندی پیش جعفری از طرف ظلی احضار میشود ظلی خیلی کوتاه باو میگوید دوباره همان ما موریتی را که میبایست انجام دهی لازم شده تا ۲ روز دیگر باید به تهران حرکت کنی باید سعی کنی طوری بروی که نگویند ستاد و یا شرکت دستور داده

باین ترتیب ستاد ارتش ایران و شرکت نفت جنوب در يك توطئه خود را متحد نشان میدهند او هم مرخصی میگیرد شرکت باو مرخصی میدهد و تهران می‌آید و در اطاق شماره ۱۱ مهانخانه اروپا مسکن میگیرند قبل از حرکت به تهران ظلی باو میگوید همینکه دو فرودگاه تهران از هواپیما پیاده شدی نقشه منتظر تست دستورات او را باید اجرا کنی در فرودگاه نقشه به استقبالش میرود

و همان روز نخست پارابوم خود از شماره ۱۲۰۹ را با اضافه ۳۲ فشنگ و يك دفتر دستور تیر باو میدهد و میگوید روز پنجشنبه ۲۹۹۳۴ ساعت ۱۲ تا زودتر جاومجلس برود و بقائی را بزند اولین بار اسم دکتر بقائی را برای ترور می‌شنود بخصوص باو وعده می‌دهد وسیله فرارش جاو مجلس مهیا است اینجا دو توضیح باید خدمت آقایان عرض کنم که از این توطئه روز پنجشنبه بنده تعقیماً اطلاع داشتم روز پنجشنبه مسا اینجا بودیم یکنفر بنده خدائی که نمیشناختمش يك یادداشتی از در مجلس برای من فرستاد و خواهش کرد که من از این در بیرون نروم بنده اتفاقاً روز هاسکه میرویم در خدمت آقای مکی میرویم و از اتومبیل ایشان استفاده میکنیم و از در جایخانه می‌رویم با نتیجه بنده طبعاً از این راه نمیروم

**ارباب** - اتومبیل آقای مکی هم خالی از خطر نیست - هیچ جا خالی از خطر نیست

**نورالدین امامی** - آقای دکتر بقائی روح پدرد این کاغذ از کجاست؟ مال چیست؟ اینرا ما بفهمیم روزنامه مردم را آورده اینجا دارد می‌خواند

**دکتر بقائی** - آن شخص وقتی که بنده را دید يك اطلاعاتی به بنده داد که بنده يك قسمت از آنها را تا کنون نتوانسته‌ام تحقیق بکنم و يك قسمت را نتوانسته‌ام تحقیق بکنم ولی بطور مسلم بنده می‌دانستم که این روز پنجشنبه در مجلس منتظر بود و اینرا که بنده خواندم ویدم با آن اطلاعاتی که بنده داشتم و بعضی از دوستانم که سابقه داشتند کاملاً وفق می‌دهد باری هدف این ترور از راهب و کلا و جراید و معانیل مخالف رژیم آراه بوده است تا هم زمینه دیکتاتوری رژیم آراه فراهم تر گردد و هم امیر یالسم امریکادر مبارزه نفت دچار نا کامی بیشتری نشود. قرار بوده است جعفری همینکه بقائی را کشت مانند فخر آرائی بلا فاصله کشته شود و وسیله نیز از هر جهت فراهم بوده است لابد برای زاهدی دیگری را در نظر گرفته بودند روز پنجشنبه جعفری اصلاً بدر مجلس نمی‌رود رژیم آراه گیلان شاه نقشه و دهقان کجی هستند دهقان مأمور است که باو قوت قلب بدهد؛ اینکه می‌گویند دهقان او را نمی‌شناخته دروغ معض است چند روز مرتب جعفری برای همین کار بدفتر دهقان میرفته و بالاخره روز ماقبل آخر قرار میشود شنبه شب نزد او برود و او اطاق را خلوت کند و در همین باره صحبت کنند جعفری بقول خود وفا میکند؛ نزد او میرود دهقان اطاق را خلوت میکند؛ نزد او میرود و باو ای آرام می‌خواهد يك بار دیگر بغیانت رژیم آراه روح بدهد که همان پارابوم نقشه کبش را سوراخ میکند این ورقه که بنده خواندم يك ورقه ایست مربوط به اسم حزب متعلقه توده با اسم مردم روزنامه مردم منتشر میشود و گاهی برای بنده می‌فرستند و گاهی هم نمی‌فرستند این شماره بوسیله یکی از رفقا بدست بنده رسید چند شماره دیگرش را هم بنده خوانده‌ام و آقایان هم می‌دانند که اخیراً هم می‌نویسد ما با حزب

توده خیلی شدید بوده و در یکی از شماره‌های اخیرش هم يك چیز های ناروا نسبت بنا نوشته بودند بنده می‌خواستم تقاضا کنم که آقایان توجه بیشتری راجع باین موضوع فرمایند يك قدری ملاحظه کنید به بنید این ستاد ارتش از چه اشخاصی تشکیل شده این سرگرد نقشه که الان رئیس دفتر رکن دوم ستاد ارتش است رکن دومی که در همه جای دنیا ما موریتش جاسوسی ارتش‌های بیگانه است و در مملکت ما تمام بودجه اش صرف این می‌شود که بداند آقای هیئت شب بکجا رفته یا آقای فرامرزى شب با کی ملاقات کرده‌اند ( فرامرزى - من شب بیرون نمیروم) ستاد ما کارش این بود يك سابقه ای از این سرگرد نقشه بنده باید عرض کنم خسرو روزبه را همه آقایان میدانند جریانش را هم اطلاع دارید در اردیبهشت ماه ۱۳۲۶ خسرو روزبه در در زبانی مرکز زندانی بود نامهای از مجرای رسمی می‌نویسد بر رئیس ستاد وقت که در آن موقع تیمسار سیهید رژیم آراه بود طی آن نامه می‌نویسد چون اینجناب فقط با تکساک بکارا کتر و قول تیمسار در خدمت ارتش حاضر شدم ( چون آقایان یادشان هست روزبه فراری بود و بعد بر کشت بشارت سربازی و وفای بقول تیمسار) باین جانب اجازه بدهید در اینگاه اولی خود مخفی شوم تا اگر مأمورین موفق بدستگیری اینجناب بشوند با کمال میل مجازات خود را استقبال نمایم تیمسار هم بقول خود وفا نموده باشند موضوع این بوده که روزبه فراری بوده باو قول میدهند کاری باو ندارند بر میگردند لباس میپوشد او را میگیرند حبس میکنند این نامه را به تیمسار می‌نویسد چند روز بعد از صدور نامه بالاو گذشتن آن در يك شب جمعه ای که نگاهبانی دربان بمعهده سروان نقشه (سرگرد نقشه فعلی) بود سروان خسرو روزبه از در زبانی متواری گردید، اینها که عرض میکنم تمام مدارک دارد روزبه در رئیس ستاد تیمسار رژیم آراه سروان نقشه را مورد اعتراض شدید قرار داده دستور فرمودند که این شخص بکرمان منتقل شود (نمی‌دانم شهر بدیخت ما چه چیز است) و یکسال از ترفیع محروم گردد این دستور را صادر میکند اما پس از ده یا نوزده روز بعد از این دستور سرگرد نقشه فعلی از در زبانی مرکز برکن دوم ستاد ارتش منتقل میگردد و با توجه بگزارش روزبه و صحبت‌های که از قتل مرحوم مسعود در افواه شایع است آیا بنظر نمیرسد که نقشه شخصاً روزبه را قرار داده و اصولاً در کلیه کارهای مضنون ستاد ارتش دخالت های این سرگرد نقشه این است که توی روزنامه مردم اینطور درباره او می‌نویسد و این هم گزارشی است که هر کدام از آقایان می‌خواهند میتوانند بروند در ستاد آنرا تعقیب کنند و بفهمند که چطور شد با گفتند که این آدم نالایقی است زندانی را فرار داد و تبعیدش کردند بکرمان و گفتند باو درجه میدهد چطور شد که روزبه منتقل شد برکن دوم ستاد ارتش اینها يك چیزهایی است که باید رسیدگی بشود و چیزهایی است که در مجلس

گذشته آقای حائری زاده و من گفتیم راجع با اقدام دو تا سرباز که خیلی عجیب بنظر می‌رسید مدبرک خواندیم اسم خواندیم گزارش خواندیم در جواب تمام اینها گفتند که تکذیب میکنیم گفتند که چی‌ها را تکذیب میکنیم فقط گفتند تکذیب میکنیم اینها را هم ممکن است بگویند تکذیب میکنیم ولی اینها چیزهایی است که موجود است این رکن دوم ستاد يك لانه مغرب شده این رکن دوم جایش است که حیات همه شماها را مگر آنها می‌تواند تکذیب کند بنظر خواهد آمد انداختن این را از اطمینان داشته باشید آقایان اطمینان داشته باشید که هر کسی فکری از خودش داشته باشد بدر آئینده نیخورد (فلامرضا فولادوند - پس چطور مذاکرات خصوصی سرگرد نقشه با آقای دهقان را روزنامه مردم میدانند پس این جاسوس روزنامه مردم است) حالا آنرا هم عرض میکنم بتصدیق دولت وقتیکه چند تا از شبکه های حزب توده ایران را کشف کردند خودشان اعلامیه دادند که اینها در همه جا دست دارند و خیلی قوی هستند و این مطلب متأسفانه صحیح است چون آنها رفته‌اند زیر زمین و در آنجا دارند با متد خیلی منظم کار میکنند و بنده شاهد این جریان مدت چند ماه بودم چند ماه و چون بنده نتوانستم مفصل بخوانم مطالب دیگری که داشتم نتواندم و مخصوصاً آن چیزهایی که بنده دارم و مربوط بخود من است کاملاً تطبیق میکند يك موضوع دیگری هم هست که شنیدم از جناب آقای نخست وزیر خواهش شده لایحه ای که برای دفاع آقای رئیس ستاد تهیه شده در مجلس قرائت بکنند گرچه ایشان این جا تشریف ندارند ولی بنده از ایشان خواهش میکنم که از لحاظ اهمیت مقام نخست وزیری گمان میکنم بهتر باشد قرائت آن لایحه تهیه شده را اصلاً بجناب آقای وزیر جنک محول بکنند بنده فعلاً دیگر عرضی با آقایان ندارم وارد در يك مبارزه ای هستیم که دنباله اش را خدا میداند و دیگر هم امیدوارم که هیچوقت راجع بخودم صحبت پشت این تریبون نکنم خیلی هم تشکر میکنم از آقایان که حوصله فرمودند و با بردباری عراض بنده را شنیدند و لازم بود بیایم اینها را با مجلس بگویم و بخوانیم که آقایان مجتهد يك قدری بیشتر توجه باین موضوع بکنند يك چیزهایی هم هست که نسبت به آنها ما وقت مجلس را نمی‌گیریم در روزنامه منعکس میکنیم مثلاً آن شبی که قائل دستگیر شد قتل اتفاق افتاد سرتیب دفتری رئیس دربان فشار می‌آورد که قائل را بپرند بزبانی با فشار اصرار داشت که قائل را ببرد بزبانی حبس کند یکی از افسر های شهر بانی مخالفت کرد ( فقیه زاده - منظوری نداشته) آقا چکاره هست که برود حبس کند و بالاخره آن افسر شهر بانی که مخالفت کرد او را نبرند در دربان حبس کنند او را با تنزل رتبه فرستادند برشت آخر اینها اگر تصادف است من ندیدم چطور این جور تصادف ها پشت سر هم میشود يك سرتیبی است اسمش حالا بخاطر من نیست (مکی - سرتیب هابونفر) بلی سرتیب هابونفر مخالفت کرد

و گفت این قاتل در تحت اختیار شهربانی است و من باید بپرسم او را بشهربانی کار بین این دو نفر به مناقشه کشید و بالاخره زور سرتیپ هایونفر چریب چون قانونی بود برد بشهربانی ، سه روز بعد او را با تنزل رتبه منتقل کردند برشت (سرتیپان) تنزل رتبه نبود ) چرا آقا با تنزل رتبه بود خیلی واضح است رئیس پلیس انتظامی بوده حالا فرستاده اند او را بشهربانی رشت این عمل تنزل رتبه است این یک چیزهایی است که تبادی بگوئید تصادف بوده است ، این هارا يك قدری توجه بفرمائید والا مردم اینهارا میفهمند ما اگر بیش از این خودمان را به نفهمی بزنیم خودمان هم میدانیم قضیه چیست چون اگر گفته شود متشنج میشود اگر ما بیشتر خودمان را به نفهمی بزنیم مردم میگویند... بنده خیلی مغذرت میگویم این هارا باید يك قدری توجه کنید ، اگر يك قدری میخواهید احقاق حق بشود بدهید این قاتل را درست ازش تحقیقات بکنند معاکمه بشود الا ان يك کارتی بمن رسیده است که ازقرار معلوم یکی ازجراید صبح نوشته است که حسن جعفری در زندان خود کشی کرده و مرده است این شخص فردا ممکن است بمیرد فردا ممکن است مرض قلبی بگیرد و یا در حال فرار تیر باو بزنند بمیرد تمام اینها ممکن است ، چون بنده در معبس بودم کاملا باین چیزها آشنا هستم ، تمام این چیزها ممکن است ولی بنده اعلام میکنم که اگر جعفری قبل از اینکه در محکمه هلنی آنها هم محاکم دادگستری برای معاکمه حاضر بشود اگر بنحوی از انحاء مرد او را شخص رزم آراء کشته است ، بنده شخصاً این را اعلام میکنم و حاضر مدارک و قرائن و شواهدش را هم ارائه بدهم چرا از رئیس دژبانی نمی پرسند که تو چکار داری قاتل را بخواهی ببری در مجلس دژبانی ، همین يك سؤال را باید جواب بدهند ، اگر مأمور شهربانی نبود اگر پاسبان نبود خیلی خوب میگوئیم خواسته اند کمک کنند ولی وقتی هست دیگر چرا آنها دخالت میکنند این هارا باید رسیدگی کنند، عرض دیگری ندارم .

**رئیس** — آقای وزیر دربارتی هم شرحی مرقوم داشته اند که برای جواب سؤالات آقای دکتر شایگان حاضرند .

**مکی** — جواب بنده راجع به آقای دکتر اقبال مانده است .

**رئیس** — شما که چیزی نگفتند .

**مکی** — آقای دکتر اقبال تمام بیاناتشان راجع ببنده است .

**رئیس** — راجع بشما حرفی نزنم است .

**مکی** — چرا آقا تبعیض میکنید؟

**رئیس** — درست حرف بزن .

**مکی** — شما هم درست نظرنامه را اجرا کنید .

**رئیس** — گوش بده آقا شما که بنده را می شناسید .

**مکی** — بنده را هم همه میشناسند .

**رئیس** — این مزخرفات را نگوئید من

این جا نشسته ام همه من را می شناسند ، هیاهو نکنید این آئین نامه است حق ندارید .

**مکی** — چرا حق ندارم تمام بیانم در اقبال راجع بنده است .

**رئیس** — ماده ۹۰ را بخوانم

**دکتر بقائی** — در جواب ایشان بود آقای رئیس

**رئیس** — در جواب روزنامه شما بوده است

**مکی** — تغییر در جواب بنده بود اول حرفش این بوده که در جواب آقای مکی ، صورت جلسه را بخوانید آقا

**رئیس** — مگر شما سؤال کرده بودید ؟

**مکی** — تغییر تمام بیان ایشان در جواب صحبت بنده بوده صورت جواب را بیاورید اول بیانش میگوید در جواب آقای مکی

**رئیس** — بسیار خوب بیان شما هم بماند برای جلسه آینده بگذارید آخر يك کاری هم برای مملکت بشود والا این حرفی را که شما میزنید همه را خسته میکند بگذارید يك کارهایی برای این بیچاره ها بشود دیروز بنده رفتم در بیمارستان فیروز آبادی پنج نفر د اثر دقت نکردن شوفاژ اتوبوس بچه بزرگ یا ایشان قطع شده یا مرده اند ، بگذارید يك کاری برای مردم بشود من که می گویم برای این و اگر برای شخص خودم نیست همه موقع بزندگانی اجتماعی و سیاسی من هر سؤالی که میخواهد بکنید بنده حاضرم آقای حائری زاده بفرمائید سؤال خودتان را از آقای وزیر کشور بکنید

**حائری زاده** — بنده قبل از اینکه موضوع سؤال را طرح بکنم چون چند نفر از دانشجویان پزشکی رادانشگاه ازشرکت در امتحانات قسمت هانظر بان اعتصاب معروم کرده است و نظر باینکه مطلب راجع بدانشگاه است و دانشگاه مستقل است و کسی که راجع بدانشگاه پرسشی میکند کسی نیست که جواب بدهد فقط با اظهار تأسف این مطلب را خواستم عرض کنم بچه هائیکه بخرج این مملکت یا بخرج مادر و پدرشان یا بخرج دولت مشغول تحصیل میشوند آن سالهای آخر مدرسه طلب این ها را معروم میکند این ظلمی است که بجهت می کنند ممکن است يك خطی خطائی هم شده باشد که آن ها را باید از طریق دیگری حل کرد و در این موضوع بیشتر هم صحبت نمیکنم ، موضوع سؤال من راجع به روزنامه اصناف است روزنامه اصناف شماره ۱۲ تاریخ ۲۲ اردیبهشت ۲۹ منتشر شد خبر دادند که از طرف شهربانی اقدام شده است برای دستگیری مدیر روزنامه و اوراق روزنامه را هم غارت کرده است دولت برده اند و يك نفری که توی آن روزنامه کار میکرد است او را هم گرفته اند حبسش کرده اند من باینکه کمتر فرصت میکنم که روزنامه را از اول تا آخرش بخوانم چون زیاد است و فرصت من کم است بهمان تیرهاش قناعت میکنم اگر مطالب مهم مملکتی باشد میخوانم اگر نه می گذارم کنار این را که شنیدم این روزنامه را از اول تا آخرش خواندم ولی بنده چیزی که بتوانم توی این روزنامه فکرم کنم که مورد بی لطفی دستگاه مملکت باشد ندیدم

يك قسمت نقاشیها و صورت هائی هم داشت من نگاه کردم آن صورتها و نقاشیها از اینها من چیزی نفهمیدم که يك چیز خلاف حقیقتی چاپ کرده باشند این نقاشی عکس شاه سابق است و عکس مرحوم مدرس است آقا زاده خراسانی و حاج آقا جمال اصفهانی ، مرحوم مستوفی ، الممالک است سرهنگ فولادین است اسدی است و تیر و تاش است و داور و سردار اسعد و فرخی و هشتی این عکسش است توی آنها هم نوشته است شاهنشاه فقید و جمعی از رجال ایران که در سنوات اخیر بدرود حیات گفته اند این هیچ چاپش دروغ نیست ، خوب همین جور بوده بدرو حیات گفته اند مقالاتش را هم که من برداشتم نگاه کردم يك خبری که موجب باشد و مضر بدین مملکت و شخصی باشد که دادستان او را تعقیب کنند من بیافتم اگر آقایان میل دارید از اول تا آخرش را بخوانم تا آقایان قضاوت کنید توهینی نسبت بهیچکس نیست اگر مملکت آزادی نداشته باشد قابل زندگی نیست يك وقتی ابداً قانون نبود توی این مملکت يك پادشاهانی مملکت را اداره میکردند بطریق استبدادی باینکه مأمورین آن روز گاهی مردم مورد فضاوت واقع می شدند گاهی مورد رحمت ، تکلیف مردم معلوم بود که باید آن شخص را از خود راضی بکنند حالا این شخص خود شاه باشد یا در بلوچستان آن فرمانده محل او را باید راضی نگه دارند اگر مورد بی مهربی واقع شدند که آن جریان مجازات و عذاب و عقاب و همه چیز بود در مملکتی که قانون حکومت می کنند مردم تکلیفشان معلوم است دستورهای قانون را من اگر اطاعت کردم راحت توی منزلت میخوانم کسی بمن کاری ندارد اشخاص از قبایه من اگر نفرت دارند بمن نگاه نکنند ولی حق ندارند بمن تعرض بکنند فقط قانون حق دارد حکومت کند ، چه شده است که مردم دوره ناصرالدین شاه را دوره خوشبختی خودشان می شمارند ، از اغلب مردم بی رسید بشاه شهید رحمت می فرستند این که امروز قانون اسمش هست برای اینکه بهانه و حربه برای دوسه و زمیه سازی بدست اشخاص فاسد باشد قانون وجود دارد ولی برای حفظ حق مظلوم ابداً وجود ندارد، اراده های اشخاص از هر نقطه ای هر شخص که قدرتش نسبت بان افراد دیگر بیشتر شد اراده او قانون و حاکم است ، این یولهائی که خرج میشود برای انتخابات که ما هائییم این جا بنشینم با این سرو صداهائی که بنام دستکاه اجرا و قانون وزارتخانه ها دارند آن مقصود اصلی که حکومت قانون باشد چون وجود ندارد بکلی لغو است بیخود مردم را لغت میکنند بکجهت ما میچایند ، غارت میکنند آن منظوری که آسایش جماعت باشد ابداً از قوانین امروز هاید مملکت نبشود ، من از قسمت هائی که دارد چند سطر میخوانم «باین که يك هفته از بنگال سیردن شاه فقید گذشته است از آن جائی که تلقین کلمات بر باین کسی که روزی با کمال قدرت بر ۱۰ میلیون نفر حکومت میکرد زندگی داشت این مقاله را نوشتم ز امیدوارم که انهم انهم واعلم واهم بر تشییع کنندگان جنازه شاه فقید اثر کرده بدانند که صاحبان کلبه

اتاز و مدبرتهای گردنکشان عالم را بیل و تانک هم کن میتوانند معمو و نابود کنند جز ظلم و عدل را من هر چه فکر کردم این جا کفری گفته ، بر خلاف حقیقت گفته غیر از يك نهی یعنی چیز دیگری جز به این جا چیزی نفهمیدم در سال فلان از دامن زن پرستانان در آلمان طفلی بدنیا آمد که به نیهه ملقب گردید الی آخرش قصه و حکایت این است این هم صورتها و عکس هائی يك جمله ای دادر این جا که عکس مرحوم سید حسن امامی است نوشته است شادروان میر سید حسن امامی هیچ چیز دیگری هم در اطرافش نمی بینم نوشته باشد صفحات دیگرش هم من هر چه فکر میکنم يك مشت زمان يك مشت اعلان يك قسمت شکایات مردم ناله هائی که دارند من چیز دیگری توی این روزنامه پیدا نکردم تاریخ معتدی هم فهرست وار نوشته است نوشته است (در آذر ماه ۲۸ عبدالقدیر آزاد و حائری زاده و مکی و دکتر بقائی که در قتل وزیر دربار بازداشت شده بودند آزاد شدند) (۱۹) — آقای علی اکبر سیاسی از اروپا وارد شدند) این چیز هائی نیست که بتوان جرمی تشخیص داد اخباری برداشته نوشته هلت اینک مامورین وزارت کشور يك روزنامه ای را بدون جهت بدون این که يك مطلبی مضر بدین و آئین داشته باشد مدعی خصوصی داشته باشد توقیف کنند من نفهمیدم بر فرض قانون اجازه داد توقیف کند حق این که اوراق آن را ببرند غارت کنند ندارند این اوراق مالیت دارد این مردک که این اوراق را نوشته است لابد خرجی کرده مالیه را که نمیشود غارت کرد ، در بالای این روزنامه نوشته است صاحب امتیاز و مدیر ابراهیم کریم آبادی مدیر داخلی خلیل کریم آبادی يك نفر کرباسی نام ، کرباسچی نامی همچو کسی بوده است که توی آن اداره کار میکرد است هر چه نگاه کردم هلنی برای آن شخص که برده اند او را گرفته اند و حبسش کرده اند من نفهمیدم و يك مدتی در کشمکش بود که او را ببرند در محاکم نظامی پدرش را در بیاورند یا تحویل معاکم عمومی بدهند خدایدیشان را بیمارزد که تحویل معاکم عمومی دادند والا ان هم حبس است من این را می خواهم از آقای وزیر کشور که سابقه مستندی در آزادی دارند (آزاد — همچو چیزی نیست) و بقول جناب دکتر بقائی از رجال صدر مشروطیت هستند آن مشروطه ای که ماها سنگش را بسینه میزنیم که نتیجه اش همین است جواب بدهند

**آزاد** — آقای رئیس نوبت بنده است

**دکتر شایگان** — نوبت بنده هم هست

**وزیر کشور** (آقای اردلان) — اجازه بدهند آقایان سؤال بکنند بنده همه را باینجا جواب میدهم آقای دکتر شایگان بفرمائید

**آزاد** — بنده مقدم بودم

**رئیس** — بفرمائید

**آزاد** — گرچه میدانم آقای اردلان که الان اینجا تشریف دارند چندین دفعه که من سؤال کردم ام ایشان میگویند تکلیب میکنم ولی من برای اطلاع آقایان عرض میکنم که قضیه چه بوده من

حرفی بخارم که اگر يك کسی مرتکب جرمی شد آنرا ببرند توقیف کنند و از پیش کنند ولی بدون جهت چرا مطابق قانون هر داری که میخواهند بکنند ولی بدون جهت تیرا در صدر مراحمات مردم بر می آید این روزنامه وقتی که منتشر شد از طرف کریم آبادی که من همسایه او هستم بمن خبر داده شد که در ب خانه او پاسبان گذاشته اند و زن و بچه او و پدر پیر مردش را اذیت میکنند و خودش هم فرار کرده من قبل از اینکه با کسی صحبت کنم رفتم پیش دادستان پرسیدم این شخص را اگر دادستان توقیف کرده است البته باید برود بمحکمه ، اگر دادستان توقیف نکرده است چرا این کار را کرده اند رفتم پیش آقای ریاحی آن روزنامه را بر داشتم گفتم آقای ریاحی این روزنامه را شما توقیف کرده اید یا خیر و اگر شما این روزنامه را توقیف کرده اید و دنبال آن صاحب امتیاز میگردید این چه ربطی باین شخص دارد گفت من این روزنامه را خوانده ام ولی هیچ جرمی درش نیست ، این ریاحی دادستان گفت من هم این را تعقیب نکردم اداره شهربانی خودش برداشته فرستاده اینجا بعداً با خود آقای سرلشکر زاهدی صحبت کردم گفتم آقای سرلشکر زاهدی من از دادستان پرسیدم و دادستان گفتند که این جرم نیست بفرستید مرخصش کنند ایشان گفتند میفرستم مرخصش کند مرخص کردند آمد اینجا بعد بلافاصله آمدند دنبال این شخص که دستگیرش کنند از طرف دیگر آن کرباسچی را هم توقیف کردند و دارند پرونده درست میکنند من میخواهم بی رسم که چرا این مردم را دارند تریک میکنند من میگویم اگر کسی جرمی مرتکب شده کار بد میکنند بپرسید توقیفش کنید ولی کسی که کار بد نکرده از این که مردم را حبس بکنند بپرسم فشار وارد بیاورید می مردم را ببندازید زندان و بیرون بیاورید این کار هازا برای چیست این ها را من میخواستم آقای وزیر کشور بیاندینجا جواب بدهد و من چون خودم از آقای ریاحی دادستان سؤال کردم آقای ریاحی دادستان بخود من گفتند که این جرم نیست خواستم آقای وزیر کشور بیایند و باین موضوع جواب بدهند .

**رئیس** — آقای مکی .

**مکی** — بنده بعد از این که آقای وزیر صحبت کردند عرض خواهم کرد .

**رئیس** — آقای دکتر شایگان سؤال شما مربوط باین قسمت نیست بعد بفرمائید . آقای وزیر کشور .

**وزیر کشور** — اولاً عرض کنم که چون هر سه نفر آقایان يك سؤال را امضاء کرده بودند مطلب هم یکی است البته مناسب بود که هر سه يك دفعه سؤال میکردند که بنده یکدفعه عرض کنم ولی برای بنده فرق نمیکند آقا هم سؤال کنید همین جوابها را عرض خواهم کردم اینجا سؤال محدود بود بتوقیف روزنامه و تعقیب مدیر و يك نفر دیگر ، آقای حائری زاده خارج از این سؤال يك فرمایشاتی فرمودند که بنده اول جواب سؤال آقایان را عرض میکنم بعد با اجازه ریاست محترم

مجلس در آن قسمت هم چون اظهاراتی شد با اجازه آقایان يك فرمایشی عرض خواهم کرد ، توقیف روزنامه چون امر صادر شده که اگر ما روی قانون باشد بنده هم بعضی این که این سؤال شد از شهربانی کل استفسار کردم در تاریخ ۲۸-۲۹-۳۰ و در تاریخ ۲۹-۳۰ تحت شماره ۵۷۵۱ از شهربانی کل کشور گزارش رسید که چون مطبع روزنامه اصناف مورخه ۲۳-۲۴-۲۹ ضمن گزارش مطالبی بنظور اهانت بمقام سلطنت (آزاد — آقای اردلان آنرا بخوانید) درج شده ، شما بنا نبود صحبت کنید

**رئیس** — آقای آزاد شما سؤال کردید مطابق آئین نامه و بدهم حق دارید اگر منظور شما تأمین شده بود توضیح مختصری بدهم .

**وزیر کشور** — که مفاد آن طبق بند الف قانون اصلاح مطبوعات مصوب اسفند ۳۲۷ تشخیص و این حق شهربانی است و این حق البته فعلاً هست هر وقتی که آن قانون تغییر کرد مطابق آن قانون یعنی رفتار خواهد شد ولی مطابق قانون فعلی حق داده شده است بشهربانی که هر وقت تشخیص داد روزنامه را توقیف کند و چون آقای ابراهیم کریم آبادی مدیر آن بنهان شده بود پرونده آن در موقع مقرر بدادسرای شهرستان تهران احاله شده است این کجایش خلاف قانون است؟ شهربانی بموجب قانون حق دارد تشخیص بدهد (فراموشی - حق تشخیص ندارد) که روزنامه خلاف قانون عمل کرده است و او را بفرستد بدادسرا ، حالا معاکمه شد و تیرمه شدن آن روزنامه از توقیف دره ی آید ، اما موضوع دیگر موضوع توقیف کرباسچیان او را هم مستند به اعلامیه هائی که بنام فدائیان اسلام و نشر اعلامیه هائی مبنی بر مخالفت با تشییع جنازه اعلیحضرت فقید رضا شاه بوده است این را توقیف کرده اند و پس از تحقیقات آنرا هم بدادسرای مربوطه احاله کرده اند ، پس جواب مختصر سؤال آقایان همین بود که عرض رسید اما چون در ضمن صحبت يك فرمایشاتی شد بنده خیلی دلم میخواهد مجلس شورای ملی واقعا تکلیف زندگانی مردم را توی این مملکت معین کند ، اگر هر کس ببیل خودش مطالبی را بخواد يك طوری تفسیر کند و حمله کند با اجرا کنندگان قانون خوب آن امری است علیحده باید گفت که اختیار مملکت دست ۱۰۸۷۰۶۰۵ نفر آدم است و آنها هر جور تشخیص دادند دولت باید اطاعت کند ، یکی میگوید قانون باید حاکم باشد یعنی وقتی که قانون حق داد که يك کسی این روزنامه را توقیف بکند باید منتظر شد باید محکمه درباره او حکم بدهد ، دیگر عهد ناصرالدین شاه را آوردن و مقایسه کردن دیگر خارج از سؤال است بنده از آقایان محترم سؤال میکنم همه ملت ایران ملل و دول دنیا که نسبت به تشییع جنازه اعلیحضرت فقید احترام گذاشتند آیا انصاف است که يك نفر توهین بکند؟ بنظر من انصاف نیست (آزاد توهین نکرده کی توهین کرده ؟) عرض کنم آقا چرا باید خدمات اشخاص بزرگ را فراموش کرد بنده نمیگویم که معایب هم در کار نبود ، برای اینکه نمی توانم این را



بگویم البته در يك كار، ای بزرگی یا اقدامات بلندی معایب هم ممکن است داشته باشد اگر معایب بود باید همه کارها را فراموش کرد ؟ راهها ، راه آهن ها ، پلها ، دانشگاه ، تعلیمات عمومی ، سرباز گیری ، هر چه که الان هست شامی بیند از اقدامات شاهنشاه فقید بوده است بی انصافی است که پشت این تریبون این حرفها را نزنیم (آزاد- این ها تفتین است) همه اثر تنقید و ایراد دیگر کی جرات میکنند توی این مملکت کار بکنند

**رئیس** - آقای آزاد توضیح ثانوی دارید آقای ؟

**آزاد** - بلی بلی بعد عرض میکنم.

**رئیس** - آقای مکی

**مکی** - آقای وزیر کشور فرمودند که تکلیف زندگی مردم را باید تعیین کنند و قانون هم تعیین کرده قانونی در دوره ۱۴ ما گذرانندیم که فراریان شهریور را تعقیب کنند چرا تا حالا این قانون را بوقوع اجرا نگذاشته اند تا کسانی که اعتراف بقرار کرده اند مورد تعقیب قرار بگیرند چرا این قانون عمل نشده ؟ اما راجع باین شخص که ما سؤال کردیم امروز در محکمه جنحه شعبه ۱۳ باین پرونده رسیدگی شد محکمه بانفاق آراء نظر داده است که هیچگونه دلیلی برای مجرمیت وجود ندارد و پرونده را احاله کرده است بدادسرا ولی دادسرا بر خلاف مقررات قرار حبسش را بقرار کفیل تبدیل نکرده با این که گفته اند توهین نبوده ، باز قرار را تبدیل نکرده اند این مطالبی که میگویند تفتین است اینها برای این است که میخواهند بین ملت و بین پادشاه ایجاد تفرقه بکنند اگر يك کسی مطالبی مینویسد با چند تا عکس و مینویسد که اینها در چندی قبل مرده اند یا بنویسد مدرس مرده است آیا مدرس زنده است ؟ آیا گفته است مدرس کشته شده ؟ عکس مدرس را گذاشته گفته است مرده و يك عده ای در چندی قبل مرده اند اگر اینها را نوشته باید این شخص را توقیف کنند ؟ چه توهینی کرده است ؟ توهین با هو و جنجال دو تا است اگر البته کسی توهین کرده است باید تعقیب شود قوانین مملکت توهین و اهانت و ضرب و جرح را معین کرده است ، اگر کسی توهین کرد اگر کسی را زد ، اگر خدای نکرده بر خلاف قانون پایش را از گلیمش دراز کرد باید مجازات بشود اول شهربانی توقیف بکنند ، بعد برود به محکمه ، دیروز بنده موسسات ونیم بعد از ظهر تا آمدن بخوابم گفتند مدیر روزنامه حاجی بابا را گرفته اند بوسایی با آقای دکتر فاطمی مدیر باختر گفتیم ایشان با شهربانی صحبت کنند و تا ساعت چهار بعد از ظهر از ایشان کفیل گرفته و آزاد کردند مطالب آن روزنامه را خواندم بچند نفر از آقایان حقوق دانان نشان دادم گفتند ما توی این چیزی نمی بینیم ولی هر روز میخواهند يك روزنامه را بزند آن جا نشان بدهند و بگویند مرض برسانید بگویند این توهین است وقتی که انسان از دریچه بدبینی بخواهد نگاه کند مطالب جرایم انتقادی و فکاهی را البته يك چیزها هم از توش میتواند در بیآورد

ولی جرایم فکاهی و انتقادی در تمام دنیا هست همانطور که ملل دیگر با روزنامه نویس ها رفتار میکنند ما هم باید بهمان رویه و مطابق قوانین کشور رفتار بکنیم ویلسن رئیس جمهور سابق امریکا يك قاعده مخصوصی راجع بروزنامه نویسان داشته میگویی در روزنامه نویس از سه طریق یکی را باید انتخاب کرد یا باید بی اعتنائی کرد و حساب روزنامه را واگذار کرد بقضات عمومی که افکار عمومی قضاوت بکنند ، یا معا که بوسیله مجاکم و حضور هیأت منصفه یا بمقابله بمثل یعنی اگر يك روزنامه نویی مطلب خلاف حقیقتی نوشت دولت فوراً در يك روزنامه دیگر توضیح بدهد که این مطلبی که فلان روزنامه نوشته حقیقت ندارد تکذیب میشود (فرامرزی - مقابله بمثل برای مطالبی است که خلاف حقیقت باشد ) یا جواب بدهد یا اینکه بوسیله مجاکم بپرد معاکه اش بکنند و محکومش بکنند هر ترتیبی محکمه معین کرد اجرا بکنند یا اصلا بی اعتنائی بکنند ولی در این مملکت اول زبان روزنامه نویس را از پشت گردن او در میآوردند و بندهم با هو و جنجال میگویند که آقایان روزنامه نویس چنین کرده و چنان کرده اول او را از کار و زندگی باز میدارند و بندهم میخواهند با هو و جنجال یکدسته می راهم که اگر بخواهند دفاع از حق و عدالت بکنند با هو و جنجال از میدان میخواهند در بکنند که تودوره ناصرالدین شاه را اجرا گفتی و چه گفتی ؟ خوب اگر کسی يك حرفی بخواهد بزند باید يك مقدماتی برایش فراهم بکنند و بعد هم يك نتیجه بی ارزش بگیرد ، بندهم يك مثالی بیاورد ، کسی جرات نکند که آقای وزیر کشور بدش میآید که چرا از فلان دوره صحبت کرده اند مگر برای خوش آینه جناب عالی باید این حرف زده بشود ما مطالبی که اینجامیگویم و از نظر قضاوت افکار عمومی میخواهیم بگوئیم و میخواهیم که اگر جرائد آزاد در مملکت وجود داشته باشد این مملکت تحت تأثیر قوای دولت قرار بگیرد و هر کاری بخواهد سر ملت در میآورد . آخر دوره ۱۵ آقاسیاسان بساد شان هست که چه فشاری بمطبوعات آوردند ، زبان همه را بستند برای اینکه قانون نفت را از مجلس بگذرانند . امروز هم که این قانون مطبوعات را بمجلس آورده اند و معلوم نیست کجا میخواهند و فتن بکنند و نمیگذارند که این قانون بیاید بمجلس و آقایان محترم این قانون را درش نظر بدهند برای اینست که يك نفعی هم در پیش هست و از این قانون میخواهند برای خفه کردن روزنامه ها استفاده بکنند و الا این قانون يك قانونی هست که تکلیف مقامات عالیه مملکت را تعیین کرده ، تکلیف سایرین را هم با این قانون تعیین کرده اند این قانون را بگذرانید و طبق این قانون هم با کسی میخواهند رفتاری بکنند ، بکنند ، الان ما قانون نداریم و قانون را هم باید اجرا کرد ولی نه اینکه هر کسی تعبیر بکنند شهربانی تعبیر بکنند ، روزنامه را ببندد این صحیح نیست روزنامه را باید محکمه به بندد ، محکمه توقیف بکنند ، محکمه قضاوت و تشخیص بکنند یا درش را ببندد ولی آقای رئیس شهربانی بگویند این روزنامه را ببندید یا آقای وزیر کشور دستور دهد یا

تلفن که این روزنامه را ببندید . آقا این روزنامه در روز يك مقداری خرج دارد ، کارمند دارد ، گرفتاری دارد ، همینطور بیایند و ببندند ، بندهم معلوم شود یعنی محکمه نظر بدهد مثل همین روزنامه اصناف که هیچ تقصیری ندارد و در جرمی واقع نشده این سخارتی که بهش وارد شده کی باید جبران بکنند ؟ فقط يك تلفن بر میدارند و هر بلائی سر مردم بخواهند میآوردند بعد هم میگویند تقصیری نداشته ، آزاد شده ولی این غرامت را هم باید تعیین کرد که بعد از این يك وزیر يك رئیس اداره با تلفن ویی جهت يك روزنامه ای را تعطیل نکنند .

**وزیر کشور** - اجازه میفرمائید ؟

**رئیس** - بفرمائید .

**وزیر کشور** - فرمایشات اخیر آقا را جواب عرض میکنم خواهش میکنم توجه بفرمائید بنده تلفن برای توقیف هیچ روزنامه نمی نکرده ام و انشاء الله تا آخر عمر هم نخواهم کرد اینرا خواهش میکنم که مطمئن باشید از این بابت و اینرا هم خواهش میکنم به پیشد در شهربانی آنوقت کی بوده چه جور تشخیص داده بنده هم موافقم که باید قانون اجرا شود هر دو هم در این باب متفق علیه هستیم . خودتان هم فرمودید که محکمه اینطور حکم داده پس تصدیق فرمودید که خلاف قانونی نشده و این به محکمه فرستاده شده و محکمه هم آزاد است و هر طوری دلش خواسته رأی داده ، بنا بر این خلاف قانونی نشده ، اگر بنده يك خرده از مثال تاریخی عرض کردم برای این بود که صحبت شد و بنده هم صحبتی کردم والا جواب قانونی همین است که مطابق قانون جاری بوده و مادامی که قانون دیگری جایگزین قانون فعلی نباشد ناچار هستیم که همان را اجرا کنیم دولت هم اگر نظر نداشته که يك تسهیلاتی برای جرایم ایجاد کند ، این لایحه را بمجلس نمیآورد البته هر وقت که تصویب شد و مجلس رأی داد و این لایحه اش گذشت البته هر کس هم خلافی کند مطابق این لایحه با او رفتار میشود .

**رئیس** - آقای دکتر شایگان .

**دکتر شایگان** - مطالب مهمتری از این سؤالاتی که امروز مطرح میشود بنده داشتم که میخواستم بعنوان آقای قیل از دستور از وقت استفاده کنم و این مطالب را بر عرض آقایان برسانم که این وقت محفوظ ماند برای روز دیگر . بنده دو سؤال و يك تقاضا از دولت کرده ام که راه جوابش بسیار آسان بود ممکن بود عملا بنده جواب بدهند که دیگر مطلب در اینجا بحث نشود . نه آن دو سؤال و نه آن تقاضا هیچکدامش را ترتیب اثر بهش ندادند . اگر گاهگاهی مجبور بسؤال میشویم علتش اینست که هر روز مقدار زیادی کاغذ برای ما میرسد که شکایات از اعمال دولت است . البته اگر همه این شکایات را بخواهیم برض مجلس برسانیم باید تا آخر مجلس بهمان سؤال بگذرد ولی بعضی اوقات بعضی از این سؤالات هست که نبشود بدون اقدام گذاشت . این سؤال یکی دوتا اگر اینجام مطرح شود و دولت جواب مقنع بدهد نه جواب جدلی و

ترتیب اثر بسؤال بدهد تمام آن شکایات خرده خرده رفع میشود یعنی فلان عامل دولت که در ولایات است می بیند که اگر شکایاتی از او شد ترتیب اثر میدهند ، بدلیل آنکه می بیند شکایاتی که از رفیق او شده ترتیب اثر میدهند ، بخودی خود اگر بدو سه تا از این سؤالات جواب مقنع و صحیح ( نه جواب جدلی ) داده شود ، خرده خرده این شکایات رفع میشود ولی اینکاراتی که ما داریم اینست که هر گز جوابی بسؤال مطابق آن سؤال ندهیم فقط مثل اینست که دو نفر در مبارزه هستند مثل آخوندهای سابق نه ملاها ، ملاها جدلی نبودند ، این سؤالی میکنند آنچه بلند شود و جواب میدهند دوسؤالی که بنده کرده ام یکی راجع باستاندار کرمانشاه و یکی دیگر هم راجع بشاه بهرام است . هر دو در شاهای اشترک دارند او در کرمانشاه و این هم شاه بهرام است یکی اولش شاه است و یکی آخرش . این دوتا در حقیقت برایشان مشتبه شده است از این اسم خودشان میخواهند سوء استفاده بکنند کارهای بیزه میکنند ، کارهای خلاف قانون میکنند تجاوز به حقوق عمومی میکنند . دولت هم بآنها تماشا میکند و هیچ ترتیب اثری بشکایات مردم در باب این دو شخص نمیدهد . شاید محتاج بگفتن نباشد که بنده نه باین آقای صمصام و نه به آن شاهرخ هیچ نظر خاصی ندارم و اگر نظر خاصی داشتم نسبت به آن صمصام باید نظر محبت باشد ، برای آنکه این شخص را در متوسطه ۳ سال من درس داده ام ، حالا خواهید فرمود که چه نفس غیر گیرائی داری ؟ ولی :

آه سمدی اثر کند در ستمک

نکنند در تو سنگدل اثری هستند سنگدلانی که تاثیر ندارد . این شخص برادری هم داشت آن برادر آنهم همدرس این بود ولی رفت بفرنگ و تحصیل کرد و آن تحصیلات عالیه يك صفای روحی برای این آورده بطوری که او ممکن نیست که بهیچ جنبندهای هیچ زبانی برساند ولی ایشان تشریف بردند و آن خشونت خاص در ایشان مانده است و آن خشونت را بنام معنی در آن ناحیه نمی که اسمش کرمانشاه است اعمال میکند و دولت هم ایشان را تشویق میکند و تلگرافشان را می آوردند بهمه جا میدهند که چه مرد مهمی است . دولت از ایشان راضی است ( وزیر کشور - دولت تلگرافی نداد اینجا ) چرا ؟ دادند . ( وزیر کشور - کی داد ؟ ) دادند تلگرافی آوردند که نانوهای آنجا که تکلیفشان روشن است ، راضی هستند از ایشان . نانو که از استاندار متشکر باشد تکلیفش روشن است . نانو که از ایشان آرد گرفته است از ایشان تشکر کرده است که چه مردی است جانشین انوشیروان عادل است این انوشیروان عادل کارهای زشت میکند یعنی درست یکی از صالحان ناصرالدین شاه شهید بقول آقا شهید یکی از آنهاست یعنی هینا میخواهد آنطور حکومت بکنند ، کارهای متعددی کرده از همین تیب یکی اینست که آمده است مدیر روزنامه ای را به اسم آئینه روز ،

روزنامه باسم آئینه روز است و مرتضی مهدوی هم مدیرش است . این مرتضی مهدوی بسیار مرد خوبی است یاد داشتی فرستاده و خودش بیوگرافی خودش را نوشته است که من کی هستم فضائلی دارد از ما و بندهم اطلاع دارد و خواهد زاده آن گزازی معروف است از فراری هم که کرمانشاهی ها می گفتند بنده خیلی آدم معجوب بی آزاری است ایشان را خواسته است برای مقاله که در آنجا نوشته است و گفته است باو که مقاله مال تو است ؟ گفتند بله مال من است ، صدا کرده است آن فرمایشی را باید گفت فرمایشی برای آنکه این عمل با همه آن اصطلاحاتش مال آنوقت است فرمایشی را صدا کرده گفته بزنید اینرا آورده بتفصیل دور تا دور فرمائید زدن و آن فرمایشی در وقتی که از جلوی حاکم رد می شد آهسته ترمیزد و وقتی هم استاندار میبندد محکم تر میزد و بعد از او عذر خواهی می کرده که من جلو او میزنم ( حاجتی- این اگر واقعت دارد آقای وزیر کشور باید تلگرافی معزولش کنید ) وزیر قدرت ندارد که چنین کاری بکنند ، شما چرا تکلیف مالاطلاق می کنید ؟ ( مکی- آقای اردلان فرمودند قانون است ) ( فرامرزی - این حتماً باید محاکمه شود و مجازات شود ، دولت را باید استیضاح کرد ، اگر نکرده اینکار را ) بعد آنجا هم می رسیم ، تکلیف مالاطلاق نباید کرد عرض کنم ایشان روزنامه می که نوشته عین این روزنامه را برای من فرستاده است روزنامه می نوشته بدبخت متکی شده است با حدیث و از بس عجله داشته حدیث راهم حدیث علوی حساب کرده گفته است که این حدیث از قول حضرت علی است در صورتی که حدیث نبوی است کما تکونو یولی علیکم ، مال حضرت رسول است ولی او خیال کرده مال حضرت علی است ، این را گذاشته و همان فکری کدر اروپا هم هست اول دفعه در اروپا این در مشرق مال حضرت رسول است ، ولی در غرب این حرف را منتشر کرده است ، همکار روسو و لوترزده :

**Chaque peuple a le gouvernement qu'il mèrite**

هر ملتی شایستگی آن حکومتی را دارد ، آن دولتی را دارد که بهش حکومت میکند این بدبخت خیال میکرده که نبشود این حرفها را زده این حرف را زده ، و در اینجا هست ببینم که این بکجا بر میخورد بعد اشاره کرده است که باید مطابق قانون رفتار کرد و این جبهه های چوبی کاری از ایشان ساخته نیست ، این کلمه جبهه چوبی آتشی کرده است آقای استاندار را و آنجا روزگار این را اینقدر سیاه کرده است بعد این مطالب را روزنامه های آنجا مدیران جرائد آنجا اجتماع میکنند صبح فردای آنروز و می خواهند يك قطعه نامه می صادر کنند در باره این آقا که عجب استاندار است ، گرگی است در لباس گوسفند ( فرامرزی - بلباس گوسفند هم که نیست ( ناظر زاده - بلباس پلنگ ) بلی گرگی است بلباس گرگ ، رئیس شهربانی میآید جلوی میبندد ، میگوید آقا چون آقای استاندار نیستند البته نیستند یعنی آمده اند من که از آتش دل چون خمی در جوشم مهر بر لب زده خون میخورم و خاموشم این سرمقاله این بد بخت است ، آقا حسن ذوق این بدبخت را به ببیند . این آدم به این رفت و دقت را در مقابل آن آدم عجیب این دوتا را در مقابل هم گذاشته اند بعد بالاخره در تمام این مقاله بدون اینکه حرفی بزند این بد بخت ، تمام متوسل شده است باشاعر . يك شعر دیگر از حافظ ، تملقی هم بیچاره گفته است :

خون خور و خامش نشین که آن دل نازک طاقست فسریاد داد غمخواه ندارد این نازکی دل را نمیدانم از کجا دیده است دیگر چیزی خودش نوشته فقط بنویزات اسکفا کرده بعد مقاله بعدش را باز متوسل شده بتاریخ و سنتن و احادیث و غیر ذلک . این آقا این کارشان راجع بروزنامه ، ولی حسن



قضیه اینست که **الصدقه** همه اصالتاً با هم متناسب است. کارهای دیگرشان هم با این کارشان خوب می-خواند بقول معروف و کارهای دیگرشان یکی بقدری متناسب است که والله من جرات نمیکنم اینجاصحبت کنم . بقدری زشت است ، بقدری متناسب است که اگر يك حکومت بیداری در این مملکت بود دو دقیقه نمی گذاشت او بماند . شخصی است شکیبیا الاسماء تنزل من السماء ، بسیار شکیبیا آدم بسیار پاکیزه می، لیسانسیدارالمعلمین هالی است همه وزارت معارفی هاهم می شناسند که چه آدم پاک و پاکیزه می است . این رئیس معارف کرمانشاه است و زحمت کشیده ، مدارس ساخته ، همه مردم آنجا ازش متشکرند (محمد علی مسعودی - صحیح است بسیار مرد شریفی است) روزی از این روزها کاغذی برای این آقای شکیبیا میرسد از جناب استاندار ، حیف خانها اینجا هستند نمیتوان این حرف هارا بزنم.

آقایان وصف کاغذ را در روزنامه داد کرده اند. از رئیس فرهنگ چه توقعانی دارد من نمیتوانم بگویم (آزاد - من میگویم) نه نفرمائید. این بدبخت که این توقع ها ازش میشود می بیند در محظور است چکنده این را با والد آن دختر در میان می گذارد که يك چنین چیزی است چه می فرمائید. آن والدش را بر میدارد و این رادر ضمن مراسم رسی میفرستد، والد با مراسم رسمی می رود نزد حاکم محاکم اوقافش بسیار تلخ میشود از این کار که ای نادان مزخرف تو نمی فهمی این کاغذی که من نوشتم جوابش این نبود . همانوقت درصدد برمی آید که این آقا را بر گرداند بر کر ، همانوقت آقا می گوید که یا توصیه شده بود که در باره شما ارفاق خاصی قائل شویم خواستم این مطلب را بگویم والا مطلبی نیست. این شکیبیا می آید بتهران ( اینجا روی سخن من با آقای وزیر فرهنگ است ) این آقای رئیس فرهنگ میروند این قضایا را جزء بجزه بهشان می گویند و آنوقت جریانی میشود که این شکیبیای بدبخت را از کرمانشاهان بلند کرده اند این کار هایش بود این آدمی است که ازش تقدیر کرده اند (فرامرزی- این کار آخریش) این آخریش هزار تا از آنها میارزد. عرض میشود که آقای وزیر فرهنگ دستور کتبی میدهند ، دستور کتبی میدهند که این شخص را به آنجا برگردانند این حیف است ، ولی آن دستگاه فاسد وزارت فرهنگ ، آن دستگاه که از کیفیتترین دستگاههاست و حال آنکه بایستی پاکیزه ترین مردم و پاک نفس ترین مردم آنجا جمع شده باشند آن دستگاه کثیف بایش هم اندازی نمیکنند که این شخص اعاده شود و این شخص الان هست و بعل اول نیرو و بالاخره این شکیبیا در اینجا می ماند ( مخبر فرهنگ مأمور همدان شد مابا اسرار و التماس بردیم) این دلیل خوبی است که آقایانی که میخواستند رئیس فرهنگ خوبی داشت باشند او را برده اند، مطلب سوم عرض کنم از این مطالب درباره ایشان هر چه فرمائید هست، همه ما میدانیم. رئیس اوقاف رامی خواهد میگورید به آن

بدبخت شما باندازه پنجه از تومان بلان مؤسسه بدهید (یکی از نمایندگان- کدام مؤسسه) آن مؤسسه مؤسسه بدی هم نیست ولی آخر قانونی باید باشد . نمایانم کدام مؤسسه است حالا شاید آقایان بدانند میگورید که آقا اوقاف قانون دارد ، من چطور می توانم ؟ میگوید آقا این فصولها را نکنی فوراً وسیله فراهم کن این آقا هم الان آمده است تهران، از ریاست اوقاف آنجا برداشته میشود. آن نقطه مستقل بشام منی در تحت توجهات آقا است و مشغول اداره است . عیب بزرگ این آقا که من خجلت دارم از ذکرش اینست که اگر در میان این مملکت سابقاً مردم خائنی بودند (انشاء الله که نیستند) که با نسات با جانب افتخار می کردند، اینها خیلی مدود بودند، خیلی معدود بودند شاید که واقفاً انتساب داشتند ولی اینقدر حیا داشتند که هیچوقت حاضر نمیشدند آنها را منتسب بیکدی از سیاستهای مغرب بیگانه بکنند. این آقای یکی از مشخصاتشان و از خصوصیاتشان اینست که خیلی در این باب صریح هستند، سابق یکی دوفتر در تمام ایران بودند که می گفتند که اینها آدمی هستند که خودشان صریحاً میگویند ما منتسبیم بفلان جا و این دو سه نفر مثل گاو پیشانی چال بودند ولی این آدم مثل اقبالنس معروف یونانی، میگوید آقا من خائتم، این آقا چنان خائنی است که میگوید من خائتم هستم . ایشان این حرف را در محافل میگوید و خودش را منتسب میکند به بعضی مقامات بیخشدیم بعضی مقامات بیگانه . عرض دوم من راجع باین شاه بهرام است القاب را گرفتند ولی سلطنت را از ایشان نگرفتند، شاه بهرام است و شاهرخ . این سؤال دوم بنده است و گمان میکنم که ربع ساعت هم باید برای این وقت بدهید.

**وزیر کشور** - اجازه فرمائید این مال من نیست .

**رئیس** - بسیار خوب قبلا این سؤال را جواب بدهند ، بعد آن یکی را مطرح میکنم.

**آزاد** - آقا زیر این سؤال را من هم امضاء کرده ام .

**رئیس** - زیر کدام سؤال ؟ راجع بکرمانشاه ؟

**آزاد** - بله .

**رئیس** - فرمائید.

**آزاد** - بخاطر من می آید چند روز قبل از این که آقای صالح سؤال کردند، آقای وزیر کشور اینجا تشریف آوردند راجع به لوله کشی فرمودند.

**بروند** - بنده اخطار نظامنامه ای دارم.

**رئیس** - طبق چه ماده می؟

**بروند** - ماده ۱۶۹ .

**رئیس** - تأمل کنید آقای آزاد ، فرمائید آقای نیرومند

**بروند** - بنده قبل از آنکه آقایان نمایندگان تهران تشریف یابورند دو تا سؤال یکی از آقای وزیر دادگستری کردم . . .

**رئیس** - اینرا هم نوشته ام و امروز را هم برای سؤالات گذاشته ام که جواب شما و جواب آقای

صفائی راهم بدهند تمام آقایان وزیران هم برای جواب آقایان نمایندگان حاضر هستند ، فرمائید آقای آزاد

**آزاد** - گفتند که ماتقصیر داریم مجلس شورای ملی هم تقصیر دارد در صورت جلسه هست . البته هیئت دولت ثابت کرده است که تقصیرش لائمد و لائتمنی است برای اینکه البته کسی در این مملکت منکر نیست که تمام این معدودیت هائی که که در مملکت ناشی از قوه مجریه است . ولی مجلس يك تقصیر دارد و آن تقصیرش اینست که وزرائی که برخلاف قانون رفتار میکنند و زور را بکند و بملکت خیانت بچوبه دار آویزان نکرده است این بالاترین تقصیر مجلس شورای ملی است اگر مجلس شورای ملی بکمر تبه یکی از نخست وزیر ها از این وزرائی که قانون مملکت را زیر پا گذاشته اند ، برخلاف تعالی مملکت قدم برداشته اند اینها را تنبیه کرده بود ، آنوقت دیگر تقصیری نداشت . بله آقای اردلان من تقصیر دارم و این مجلس هم تقصیر دارد ، که آن اشخاصی که بر خلاف قانون رفتار میکنند ، اینها را تنبیه نمیکنند مایک قانونی وضع کردیم که فراریان شهر یور باید مجازات شوند ، آقای اردلان فرار کردند ، اثاثیه خودشان را برداشتند و از استانداردی فرار کردند ، آمدند بتهران ... وزارت کشور يك نفر را برداشت فرستاد آنجا .

**رئیس** - آقای آزاد سؤال شما که چیز دیگری است از مبحث سؤال که نباید خارج شد

**آزاد** - از مبحث سؤال خارج نمی شوم ایشان می آیند اینجا مارا مقصر بشمارند، می آیند می گویند آقا مجلس شورای ملی مقصراست ، مجلس شورای ملی تقصیرش فقط اینست که اشخاص تبه کار را مجازات نمیکنند. ( انشار صادقی - آقای آزاد آقای اردلان باهالی رضائیه خیلی خدمت کرده است ) می دانم، بعد از آنکه فهمیم الملك... ( انشار صادقی- شما که آنجا تشریف نداشتید) می دانم فهمیم الملك را فرستادند آنجا آمد به تبریز ... ( انشار صادقی- شما که تشریف نداشتید ) مگر باید آنجا باشم ؟ بنده شنیده ام، راجع به قضیه ای که مورد سؤال بنده است اینست که جناب آقای دکتر شایگان قضایا را کاملاً شرح ندادند عرض کنم وقتیکه این مقاله را در روزنامه می نویسد این مدیر روزنامه را بر می دارند می آورند و آقای استاندار می گوید این مطالب را تو نوشته ای می گوید که این مطالبی است که من نوشته ام دستور می دهد بیاسیانی که آنجا بوده است می گوید اینرا يك دوره دور استانداری بگردانید و پشت گردنی بزنید، بعد اینرا يك دوره دور استانداری می چرخاند اینرا پشت گردنی میزند بعد می برند در اطاق رئیس دارائی در آنجا بوده می رود که استمالت کند اینرا آشتی بدهد وقتیکه رئیس دارائی می رود آنجا این دستش در جیبش بود استاندار می گوید این دست چرا توی جیب است ؟ دست میکند و با سیلی توی گوشش می زند که چرا در جلوی استاندار دست

توی جیب می سکنی؟ در دنیا آقای الان دو بلوک تشکیل شده يك بلوک باصلاح خودشان دیکتاتور ری رنجبران و یکی دیگر بلوک دمکراسی ، در بلوک دمکراسی اینها ( در این موقع همه و مشاجره می بین افشار صادقی و آشتیانی زاده روی داد)

**افشار صادقی** - من خائتم نیستم خادمم خائتم نیستم. من افشار صادقی هستم

**آشتیانی زاده** - خفقان بگیر احق، خادمم! **رئیس** - بشما تذکر می دهم آقای آشتیانی زاده **افشار صادقی** - داد میزند، مثل اینکه من می ترسم، چرا توهین میکنی ؟

**آشتیانی زاده** - مدافع فرماندار میگوید که خادمم .

**رئیس** - فرمائید آقای آزاد .

**آزاد** - آقای رئیس شما مجلس را ساکت من نید . . .

**رئیس** - آقایان نظم جلسه را حفظ کنید والا مجبورم اخطار بکنم .

**آزاد** - آقای افشار صادقی من بشما می خواهم تذکر بدهم که این بدبختی مملکت سر اینست که يك نفر آدم که برخلاف مصالح مملکت کار میکند ، برخلاف قانون رفتار می کند ، همه سعی می کنند که او را تنبیه بکنند که سب عبرت شود برای دیگران یکی را هما از ایشان دفاع می کنید ، یکی را دیگری از او دفاع می کند

**افشار صادقی** - آقا ایشان در رضائیه خدمت کرده اند .

**آزاد** - این جور نیست آقای افشار صادقی **رئیس** - حرفتان را بزنید آقای آزاد شما با ایشان چکار دارید ؟

**آزاد** - شما مجلس را ساکت کنید من حرف بزنم (زنک متد رئیس)

این شخص فراری است آقای افشار صادقی شما يك خدمت بگورید از خدمات ایشان ، بروید پشت تریبون بگورید آقای افشار مملکت روی همین چیز های ما مشتج شده و باین روز چهار شده مردم بدبخت شده اند ، شما عرض اینک اینها را تنبیه شان بکنید یشتیبانی می کنید این مملکت را شما بانقلاب می کشانید و خودتان بالاخره طعمه انقلاب می شوید، (افشار صادقی- خودت را اول میبرند بمعکله انقلابی) خاطر جمع باشد اول در خانه تو می آیند نه خانه من اول زنی بچه تو در خطر انقلاب است

**بهادری** - ما اگر می ترسیدیم اینجا نمی آمدیم .

**آزاد** - بمقدسات، بخدا قسم است که زهره تان آب میشود میترسید

**رئیس** - من یکی یکی آقایان تذکر میدهم، بدمم اخطار میکنم

**آزاد** - مجلس را ساکت کنید آقای رئیس عرض کنم در دنیا دو بلوک تشکیل شده ، یکی بلوک بقول خودشان دیکتاتور ری رنجبر یکی بلوک دمکراسی و در آنجا میگویم زور و ستم و آزار و اذیت است ولی

در بلوک دمو کراسی که ما خوشبختانه جزو بلوک دمو کراسی دنیا هستیم میگوئیم عدالت است و امنیت است و حق و حساب است ، اما در آنجا وقتی يك کسی را بخواهند محاکمه کنند می آورند محاکمه میکنند و اعتراف میکنند مجازاتشان میکنند مثل محاکمه آن کشیش در کشور ما وقتی يك روزنامه نویسی يك مطلبی مینویسد ، استاندار اینرا بخواهد و بیاسیان میگوید که دور حیا استانداری بگردان و پشت گردنش میزند . وقتی که پشت گردنش میزند می آورد آنجا دستش توی جیبش است يك سیلی هم باو میزند که تو چرا دستت را توی جیب کردی ؟ وزارت کشور چندین مأمورین عالی مقام دارد که ۲۰ سال ، ۲۰ سال ۳۰ سال خدمت کرده اند ، تجربه دارند ، اینها را گذاشته اند کنار و يك جلعقی که تازه از پشت کوه آمده است می گذارد با استانداری که او هم با مردم اینطور بی احترامی بکند. من مخالف این قضایا هستم این قضایا اصلاً برخلاف حیثیت ماست، برخلاف شئون ماست ، برخلاف همه چیز ماست که بدون محاکم ، بدون اینکه هیچ تعقیقی بکنند ، بکنفر را بیاورند که او را پشت گردنی بزنند و استاندار سیلی توی گوش او برند . من باین موضوع اعتراض دارم و درخواست می کنم که این شخص را احضار کنید و محاکمه اش کنید .

**کشاورز صدر** - آقای آزاد سیلی زده .

**آزاد** - چرا سیلی زده .

**رئیس** - آقای وزیر کشور .

**وزیر کشور (اردلان)** - بعضی اینک این سؤال از طرف آقایان شد وزارت کشور از آقای استاندار سؤال کرد ایشان يك راپورتی نوشته اند که اگر مایل باشند آقایان این راپورت را به هیئت رئیسه میدهم ( فرامرزی - از همین آقای استاندار سؤال کردید؟ ) اجازه بدهید عرض کنم خلاصه این مطلب اینجاست می گوید معین کاغذ آقای مرتضی مهدوی سردفتر یکی از دفترهای کرمانشاه است که روزنامه را هم البته ایشان متصدی هستند بعد از عنوان می گوید که نظر بسعابت عده ای مغرضین و عده ای بد اندیشان بناسبت مندرجات آئینه روز در چندین قبل با استانداری احضار ولی بعد در اثر جلسات و مذاکرات متعدد سوء تفاهم رفع شد و چیزی که مورد بحث قرار گیرد باقی نمانده است سر دفتر استاد رسمی شماره ۲ مرتضی مهدوی. حالا البته بنده به تکذیب شخص استاندار هم قانع نیستم و این دو حال دارد یکی اینکه شخصی که آقایان ذکر فرمودند با این طول و تفصیل خوب میتواند بمعاکم صالح از دست استاندار که سهل است از دست وزیر کشور یا هر کس هم میتواند شکایت بکند بگوید که باین طرز با من رفتار شده یا معکله آن خاطی و آنکسی را که برخلاف قانون رفتار کرده او را برایش مجازاتی معین میکند و یکی هم تحقیقات اداری است تحقیقات اداری البته وزیر کشور خودش نمیتواند که معکومش بکند و بگوید که باید اینطوری بشود غیر از این که گزارش کرده و مستند کرده گزارش خودش را بتوضیحات آقای سردفتر بنده با این توضیحاتی که از آقایان شنیدم

یکی از عده مأمورین طرف اعتمادی که آقایان فرمایند در وزارت کشور زیاد هست و بنده هم معتقد هستم که در همه وزارتخانه ها هست ، همچونست که خالی باشد آخر آقا همه را اگر گفتیم که بدبختی نمی شود کرد بنده مأموری میفرستم و تحقیقات میکند ممکن است اگر خطائی بود خطای اداری طبق مقررات درباره اش رفتار میشود و از این بالاتر این است که اگر آن شخص معتقد است اینطور بهش توهین شده میتواند بمعکله مراجعه بکند .

**آشتیانی زاده** - همه را میتوانست ماست مالی کنید .

**رئیس** - آقای دکتر شایگان .

**دکتر شایگان** - بنده در ابتدای سؤال درخواست کردم که آقایان اینجا برای مشاعر بنامه ام جلد نیست که بنده بگویم آقا اینطور شده بدبختی اینطور نشده دلیل قطعی اش این است که این بدبخت رضایت داده اگر رضایت ندهد چه بکنند رضایت دادن یعنی اینکه این پدر من را در آورده و ورقه ای هم بنویسد که راضی شدم آقا این مسائل مربوط با امنیت عمومی است خیر رضایت هم بدهد و بعد ، صوابك تقاضائی هم بنویسد بمجلس شورای ملی که خواهش میکنم تعقیب نکنید اگر يك چنین چیزی بنویسد باز باید تعقیب بکنیم ( وزیر کشور - مانع ندارد) این چه صحبتی است میکنید که حواله میدهید بمعاکم دادگستری ما که میدانیم دنیا چه خیر است ما نمیتوانیم که در معاکم چه خیر است؟ ما میدانیم دادگستری و معاکم بدرد این مردم بدبخت بیچاره ای که زندگی آنها با دیوول میگردد و بروند آنجا معاکم کنند چطور میرسد بعد هم بنده معظن هستم که آن صلح کرمانشاه ایشان را دعوت خواهد کرد یکجا می نشیند ایشان و يك جا هم استاندار معکله هم رسیدگی خواهد کرد و احقاق حق دلتان خوش باشد آقا در مسائل جزائی یکی از قسمتهای اولیه تشریحات یعنی باید معاکم بدانند که اگر کسی تجاوز کرد چکارش میکنند والا بعد هم این را زتوش میکنند یعنی بروند توی خانه همدیگر و بگویند صلح بکنید بعد يك پنجاه تومان هم بهش بدهید و شاید هم بگیرد بدبخت ، بگوید کتک را که خورده ام پنجاه تومان را هم بگیرم اینجا عرض کردم که بنده برای مشاعر بنامه ام شهورت کلام هم ندارم چند شکایت که میشود یکیش را بعرض مجلس میرسانم یکی را میرسانم برای اینکه شاید ترتیب اثر داده شود و دیگر شکایت نشود والا این جوابی که دادند مؤید عرض بنده است بنده هم دلایلم هست ، روز نامه ها هست ، تلگرافی که نوشته است هست من تکذیب میکنم این حرف را حالا بر فرض هم که نوشته باشد این جا و تأیید بکنند این جواب حرف بنده میشود بنظر بنده جواب دندان شکن احضار يك آدم متجاوز بعقوق مردم است و همچو وجود ناقصی هم نیست ( فرامرزی - سابقه خدمت ندارد توی کادر نست) متصل آن بنده چهارم است که بنده عرض کرده عنتش آن بنده چهارم است که هر کس بآن بنده توسل جست دیگر ممکن نیست و آن بنده از بنده های پوسیده



نیست که بشود پاره اش کرد این بند از آن بندهائی است که هر کس توسل جست بسختی نجات یافت و راحت شد علتش این است چیز دیگر نیست و اگر اجازه فرمائید راجع به سؤال دیگر عرض کنم.

**وزیر کشور** - اجازه فرمائید بنده مرضی کنم ؟

**رئیس** - فرمائید .

**وزیر کشور** - آقای نخست وزیر اینجباری جواب سؤال دوم آقا حاضر بودند چون نطق قبل از دستور بود و حکار داشتند سؤال اول را بنده جواب تهیه کردم ولی سؤال دوم را خودشان باید جواب بدهند .

**رئیس** - پس آن سؤال میماند .

**دکتر شایگان** - بنده يك تقاضائی هم کرده بودم که بهیچ جا برنبرد و تقاضائی بود بسیار مشروع و او این بود که تقاضا کرده بودم از هیئت دولت که تصویب نامه هائی که در دوره فترت گذشته است بجلس بفرستند آقا تقاضا از این مشروعتر نمیشود در همه دنیا این تصویب نامه ها را در روزنامه ها منتشر میکنند در این جا در روزنامه منتشر نمیکند اقلاً بجلس شورای ملی بفرستند این تقاضا را خواهش میکنم دستور فرمائید که عملی شود .

**رئیس** - آقای صفائی .

**وزیر دادگستری** (آقای هیئت) من چون مدتی است بستری بودم حالا هم اینجا خیلی معطل شدم آقای معاون وزارت دادگستری در اینجا راجع بهین دو سؤال ایشان هستند و جواب را کتباً خواهند گفت .

**رئیس** - بسیار خوب .

**فقیه زاده** - بنده هم سؤالی از آقای وزیر

بهداری کرده بودم .

**رئیس** - پس از این سؤال و جواب مطرح خواهد شد .

فرمائید آقای صفائی .

**صفائی** - قبل این موضوع را عرض کنم که یکی از آقایان از من پرسید که این نامه که در سؤال ذکر شده از کجا پیدا شد و تصور میشد که آقای دکتر خوشبین بنده داده اند در صورتی که بنده بهیچوجه با ایشان آشنائی ندارم و این نامه را بنده در پرونده انبوخته اسکناس دیده و از آنجا بود که این نامه طلب بدست آمد

بنده در این پرست نظری جز حفظ اصول ندارم و آقای هیئت هم از قضات مورد احترام دادگستری هستند (صحیح است) ولی چون یکی از علل گسیختگی امر و عیبانهائی که در تمام شئون کشور دیده میشود علم تقسیم کارها متناسب است که از این راه ایجاد یأس و بدبینی در افراد لایق و کارداران و تحصیل کرده کشور شده روح عیان را در دست دیگر تقویت می نماید ، مطلب دیگر که این روزها مدگریده و بر عیب گفته شده باید افزود موضوع پیک کشی است که بعضی از آقایان رعایتاً احتیاط و برای حفظ کامل حقوق خود در نظر گرفته اند که اگر بنا شود این مطلب صمیمیت پیدا کند تمام کارها منحصر در آقایان **وزراء و مسوولان** از وکلای مجلسین خواهد گردید زیرا هر يك چندین پست را بطور ثابت قبول خود می نمایند تا هیچگاه از دست هیئت حاکمه و کادر مؤثر

دولت خارج نشوند ، بنظر بنده با این روش بکلی مختصر انتظام باقی مانده هم از بین میرود و کار هرج و مرج و عصبانهای عمومی بجائی میرسد که فرصت و امکان علاج بکلی از دست خواهد رفت ، بنابراین عقیده منم مجلس شورای ملی باید با این فکر مبارزه شدید و کوشنده بکند و نگذارد هوا و هوس بر مصالح کشور حکم فرما گردد در مورد سؤال گذشته از اصل کلی که عرض کردم از لحاظ قانون نیز عمل صحیح نیست و چون ممکن است بعضی از آقایان نمایندگان محترم متن سئوال را ملاحظه فرموده باشند سؤال را عیناً قرائت میکنم .

جناب آقای هیئت وزیر دادگستری در نامه شماره ۲۳۷۷ مورخه ۲۹/۱۲/۲۱ خطاب به آقای دکتر خوشبین چنین نوشته اند ( چون اینجانب فعلاً اشتغال بکارهای وزارتی دارم جناب عالی وظائف مربوط به دادستانی کل را در دیوان عالی کشور و شورای عالی ثبت و هیئت نظارت اندوخته اسکناس در بانک ملی انجام دهید ) از جمله این جانب فعلاً اشتغال بکارهای وزارتی دارم و جمله وظائف مربوط به دادستانی کل را انجام دهید چنین مستفاد میگردد که آقای هیئت با اینکه وزیر دادگستری و یکی از ارکان قوه مجریه هستند سمت دادستانی دیوان کشور را که عالیترین شغل قضائی است برای خود محفوظ نگاه داشته و ضمناً اجازه دادند آقای دکتر خوشبین بنمایندگی شخص ایشان انجام وظیفه نماید تا در صورت سقوط کابینه یکسره از اطاق وزارت باطابق دادستانی کل تشریف فرما بشوند .

این عمل بنظر اینجانب مخالف با قانون اساسی و قانون محاکمه و زراست ، زیرا بموجب اصل ۲۸ قانون اساسی قوای سه گانه مقننه ، قضائیه ، مجریه از یکدیگر مجزا است و یک شخص نمیتواند در آن واحد عامل مؤثر در دو رکن باشد یعنی هم وزیر دادگستری و هم دادستان دیوان عالی کشور ( این راه باید عرض کنم که باتوجه به مجموع آئیننامه های حقوقی و جزائی ایران دادستان جزء قضات شناخته میشود ) و از طرف دیگر بموجب قانون محاکمه وزراء دادستان دیوان عالی کشور مامور تعقیب وزراء مهم است بنابراین چنانچه یکی از افراد کابینه فعلی و یا شخص آقای هیئت بلحاظ شغل وزارت مورد اتهام واقع شوند و محاکمه لازم آید آقای هیئت که دادستان کل خواهند بود میباید خود و یاهمکاران فعلی خود را که مسئولیت مشترک نیز با آنان دارند تعقیب نمایند و باهمالی کدر انجام آن سهم بوده اند رسیدگی کنند در صورتی که برابر قوانین موجوده واصل کلی قضائی نمیتواند بکنفر هم مدعی بوده و هم متهم باشند ( بنوی- صحیح است ) باتوجه به مقدمه مذکور تقاضا دارد مقرر فرمائید سؤال زیر را برای پاسخ گویی جهت جناب آقای وزیر دادگستری ارسال دارند .

۱- آقای دکتر خوشبین بموجب حکم ۲۳۷۷ بسمت دادستان دیوان عالی کشور منصوب شده اند و با آنکه آقای هیئت دادستان بوده و فقط اجازه داده اند

آقای دکتر خوشبین بنمایندگی ایشان انجام وظیفه کند .

۲- در صورتیکه آقای هیئت بسمت دادستانی باقی هستند این عمل را با اصل تفکیک قوا قانون معاکه وزراء چگونه تطبیق نموده اند .

این بود متن سؤال اکنون اگر آقای هیئت دادستانی معلوم نمایند و خود را دادستان ندانند بنده مرضی ندارم و گرنه بعد از اینکه آقای معاون وزارت دادگستری توضیح دادند و قبول نکرده باشند عرض دیگری دارم که عرض میرسانم .

**رئیس** - آقای معاون وزارت دادگستری **معاون وزارت دادگستری** (آقای بوذری) البته آقایان متوجه این مطلب هستند که علت تأخیر در جواب ناخوشی و کسالت آقای وزیر دادگستری بوده در هفته پیش چون این موضوع خیلی طول کشیده بود ایشان شرحی بعنوان جواب تهیه فرموده بودند بنده هم برای عرض جواب بمجلس شورای ملی شرفیاب شدم ولی موفق به عرض جواب نشدم ایشان خودشان را دادستان دیوان کشور نمایندند فقط وزیر دادگستری هستند (عده ای از نمایندگان- پس تمام میشود) جوابی که ایشان تهیه کرده اند به عرض مجلس شورای ملی میرسانم این متن جوابی است که جناب آقای وزیر دادگستری تهیه فرموده اند

پاسخ سؤال آقای عبدالصاحب صفائی نمایندند محترم مجلس شورای ملی راجع بجمع بین شغل وزارت و سمت دادستانی کل:

سؤال نمایندند محترم گویا ناشی از سوء تفاهمی است که از عبارت ابلاغ آقای دکتر خوشبین رخ زاده و شاید تصور کرده اند که آن ابلاغ را اینجانب بسمت دادستانی صادر و آقای دکتر را از طرف خود نماینده برای انجام وظائف مربوطه بشخص دادستان کل قراردادام در صورتی که ابلاغ بعنوان وزارت صادر شده نه دادستانی و برای روشن شدن ذهن آقایان نمایندندگان توضیحاً به عرض میرسانم که وظائف دادستانی دیوان کشور دو قسم است یک قسمت اظهار عقیده است در پرونده های مطروحه در شعبه های دیوان کشور و دادگاه عالی انتظامی که بوسیله دادیاران بسمت نمایندگی از دادستان کل بعمل میآید . قسمت دیگر کارهایی است که دادستان کل قانوناً خودش باید اقدام بانجام آنها نماید مانند اظهار عقیده در جلسه هیئت عمومی دیوان کشور و جلسه تجدید نظر از آراء دادگاه انتظامی و شرکت در هیئت نظارت بانگلی و شورای عالی ثبت . این قبیل وظائف را در زمان مرخصی و معنویت و یا نبودن دادستان کل معاون اول دادستان که جانشین و قائم مقام او است انجام میدهد مثل معاون یک وزارتخانه که در زمان غیبت و یا نبودن وزیر تمام تکالیف وزیر را بجا میآورد بنابر این توضیح از رویه که اینجانب تصدی مقام وزارت شدم چون نمیتوانستم دیگر وظائف مربوطه به دادستانی را انجام دهم یعنی قانوناً صلاحیت نداشتم لذا جناب آقای دکتر خوشبین معاون اول قهرأ صلاحیت قیام بتمام وظائف دادستانی را پیدا کرد محتاج با ابلاغ مخصوص هم نبود لیکن خود آقای دکتر من باب احتیاط

لازم شمرند ابلاغ هم از مقام وزارت صادر گردد و در حقیقت غرض و مقاد ابلاغ کسالت آقای دکتر بوده است در زمان نبودن دادستان کسالت اگر عبارت ابلاغ از افاده این مقصود قاصر است تصور میکنم تصور عبارت با این توضیح جبران و رفع سوء تفاهم شود و از لحاظ اینکه جای هیچگونه شبهه برای نماینده محترم باقی نماند تصریحاً عرض میکنم که اینجانب فقط وزیر هستم و فعلاً وظیفه و سمت رسمی دیگری راجع وزارت تصدی نیستم (کشاورز صدر- خوب مدعی العموم هم تعیین کند) و در وظائف مربوطه به دادستانی کل بهیچوجه دخالت نمیکند و تعیین دادستان کل در هر حال منوط است بنظر اعلیحضرت همایونی زیرا که بموجب اصل هشاد و سوم متمم قانون اساسی و قانون اصول تشکیلات دادگستری تعیین دادستان کل از شئون مختصه شخص پادشاه است و بعد از انتقال مرحوم حاج سید نصرالله تقوی از دادستانی کل بریاست دیوان کشور کسی مطابق قانون اساسی باین سمت تعیین نشده بود چندین سال مرحوم وجدانی فقط با ابلاغ وزارتی کفیل بود و کسب اهلیت برای نیل باین مقام علاوه بر سیرتسام مراحل قضائی از لحاظ رعایت اصل قانون اساسی و مقتضیات زمان و حیثیت دیوان کشور و روابط اجتماعی دادستان کل که نماینده عالی قانون و وکیل اول پادشاه است در قوه قضائیه شئون و جهانی را لازم دارد که مصداق آن بسیار محدود است و اراده سینه اعلیحضرت همایونی بهر شخص صلاحیت داری علاقه گیرد البته آن شخص حائز این مقام ارجمند خواهد بود .

**رئیس** - آقای صفائی .

**صفائی** - بنظر بنده توضیح کامل داده نشده و يك مقدار ایشان با تخصص قضائی مطالب را بیجا ندانند بنده دو عرض کرده بودم یکی اینکه ایشان نمیتوانند هم وزیر باشند و هم دادستان ایشان جواب دادند فرمودند که من وزیر هستم و دادستان نیستم (بهادری- جواب قانع کننده ای بود) مطلب دوم را جواب ندادند مطلب دوم بنده این بود که بایستی دادستان معلوم شود و ایشان نمیتوانند دیگر دادستان بشوند چنانکه روش وزرای دیگری که سابقه دادستانی داشتند مثل آقای صدرالاشراف بعد از آنی که وزیر شدند به دادستانی دیگر منصوب نشدند منصوب هم بنظر بنده دیگر نمیتوانند بشوند برای اینکه مخالف با قانون معاکه وزراء است زیرا استدلال بنده دو قسم بود يك قسمت عبارت از این بود که دادستانی که در يك هیئت دولت مسئولیت مشترک پیدا کرده صلاحیت تعقیب آن دولت را نخواهد داشت (صحیح است) بخصوص که الان اعلام جرم هم شده بعد هم ممکن است بر علیه افراد این کابینه اعلام جرم بشود و آنوقت آقای هیئت مسئولیت مشترک دارند و موضوع فرمانی که بیان شد این صحیح است ولی همیشه با پیشنهاد وزارت دادگستری است بهیچوقت اعلیحضرت همایونی ابتدا فرمان صادر نمیفرمایند نه نسبت به دادستان کل و نه نسبت باستاندار و نه نسبت بهیچ مقام دیگری که طبق قانون اساسی

باید فرمان بر او صادر شود (صحیح است) بنا بر این عرض بنده این است که وزارت دادگستری باید پیشنهاد بکند برای دادستان و تقدیم بکند و شخص آقای هیئت از لحاظ قانون تعقیب وزراء دیگر نمی تواند دادستان باشند و موضوع دیگری که میخواهم توضیح بدهم این است که فرمودند دادیار میتواند عمل کند میخواستم عرض کنم در قانون اصول یا آئین دادرسی همومی است که دادیار که بنمایندگی دادستان در دادگاه اقامه دعوی میکند شخصیت ندارد بنابراین اگر آقای دکتر خوشبین بتواند دادیار میخواهند سعیت کنند معنائش این است که ایشان هنوز دادستان هستند پس بنا بر این (کشاورز صدر- در پاره ای جاها مدعی العموم شخصاً باید باشد) درمجا که دادیار مطابق آئین دادرسی یا اصول محاکمات جزائی است که میگوید بنمایندگی دادستان اقامه دعوی میکند و شخصیت ندارد و علاوه بر پاره ای مواد در قوانین صریح است که دادستان در مورد تصرف عدوانی و بعضی از موارد دیگر اصولاً حکم صادر میکند و قاضی است حالا بهر حال چون قبول کردند که دادستان نیستند آن قسمت اول از عرایض ازین میرد ولی آن قسمت دوم که ایشان نمیتوانند دادستان بشوند بدلالی که عرض کردم باید جوابی بدهند که بنده متقاعد بشوم چون بنده نظری ندارم (بگفتند از نمایندگان - چرا اجوج هستی) بنده مثل شما لودج نیستم چون ممکن است مطلبی باشد که از بنده منکوم باشد بنابراین اگر ایشان توضیح بدهند باین معنی که بعداً هم در نظر ندارند و بااگر در نظر داشته باشند می توانند توضیح بدهند عرایض بنده تمام شد

**رئیس** - آقای معاون وزارت دادگستری

**معاون وزارت دادگستری** (آقای بوذری) بنده تصور میکنم که آقای صفائی توجه به بعضی از قسمتها فرمودند و آن این است که ملاحظه فرمودید ایشان صریحاً در این جواب تصریح کرده اند که آقای دکتر خوشبین بسمت کفالت دادرسی دیوان کشور معین شده اند و حتی در اینجا قید شده بود که اگر عبارت آن ابلاغی که بنده بیشتر توضیح داده شده است اجمالی داشته باشد باین توضیحی که در این جاعرض کردم رفع این اجمال و ابهام خواهد شد .

**کشاورز صدر** - کفیل نمی تواند در تجدید نظر حاضر شود

**رئیس** - مگر شما هم سؤالی کرده اید آقای کشاورز صدر (خننده نمایندگان)

**معاون وزارت دادگستری** - بنابراین متصدی دادرسی دیوان کشور با این ابلاغی که بعضی آقایان رسانند معین است یعنی متصدی این اداره معین است و آقای دکتر خوش بین مسئول اداره دادرسی دیوان کشور هستند اما راجع باینکه آقای هیئت بدآ میخواهند دادستان بشوند یا نه این واقعا مطلب عجیبی است يك امری که هنوز معلوم نیست بچه تناسبی ما می توانیم الان پیش بینی بکنیم که آقای هیئت وقتیکه از وزارت دادگستری برکنار شدند ایشان خیال دارند دادستان بشوند و آنوقت اگر بعداً

دادستان شدند يك مفاسد و مایب در تعقیب وزارتی که در کابینه فعلی هستند پیدا می شود یا نمی شود این را دیگر حالا نمیتوان جواب داد این يك امر احتمالی است که واقعا قابل جواب نیست و پیش از این عرضی ندارم .

**رئیس** - آقای مهدی ارباب

**مهدی ارباب** - مورد سؤال بنده مربوط به زمان تصدی جناب آقای اردلان نیست ولی آنچه مسلم است ایشان قائم مقام يك دستگاه هستند که بعقیده بنده و در این مورد بخصوص نوعی از قانون شکنی بعمل آمده بنده اصولاً وقت مجلس را گران بها تر از این میدانم کدر جواب سؤالات بگنزد و به مشکلاتی که مردم دچار هستند توجهی که وظیفه ماهاست بتوانیم بکنیم اما گاهی اجبار وادار میکند برای حفظ نظم عمومی که يك مطالبی اینجا سؤال شود مقدمه مناسب میدانم عرض بکنم متأسفانه ایمان که بر میبانی دین در جامعه استوار بوده است سست شده حکومتها هم که مقتضی نیست و اصول دموکراسی ایجاد نمیکند که قدرت فردی خودشان را اعمال کنند پس نظم جامعه را کی حفظ میکنند وقتی هم قوانین اجرا نشود همین آش است و همین کاسه که ملاحظه میفرمائید مدتی است قسمت عمده مردم بی بضاعت سکنه تهران دچار يك ناراحتی هستند که این دوره عفونت کوره های با این شهر مزاحم حال آنهاست که این بدبختها که از برق و آب و مزایای طبیعی محرومند اقلاً بایستی اینها را بحال خود گذاشت و اعصابشان را ازیت نکرد اینها مثل اینکه جنساعزای نخواستند از نوع بشر نیستند که بایستی محروم از تمام این مزایا باشند علاوه بر راحتی هم از این بدبختها سلب شده است از اینجا بگذریم در غالب قسمتهای شهر یا کارخانجات انومیل سازی است یا آهنگری است و روز و شب سب آسایش از مردم گرفته اند که در يك نقطه ای چند نفر مبتلا به میستری هستند خود بنده کراراً بشهر داری و شهر بانی شبوروز شکایت کرده ام جواب دادند قانونی که جلوگیری از این اشخاص بکنند و رفع مزاحمت بکنند نداریم در حالیکه برای رفع مزاحمت قوانین زیادی داریم .

**رئیس** - تأمل فرمائید اکثریت نیست .

(پس از چند لحظه مجدداً اکثریت حاصل شد)

**مهدی ارباب** - در دوره پانزده قانونگذاری تبصره ۳۰ از ماده ۲۵ قانون بودجه کشور برای تأمین این منظور گذشت و ۶ ماه مهلت قائل شدند برای اینکه آن مؤسسات انتقال بخارج شهر پیدا کنند الان ۷ ماه از انقضای آن ۶ ماه می گذرد اگر قانون را قوه مجریه نمیتواند اجرا کند این صرف وقتها و این تشکیل جلسات و این تعجیل بودجه بخزانه منکنت و بودجه مجلس فایده اش چیست من پیش از این در این باب عرضی نمی کنم و از جناب آقای وزیر کشور استعفا میکنم بنام استراحت حفظ قوانین و اجرای قوانین این کار کوچک را در کشور ایران انجام دهند و این وظیفه قانونی خودشان را اجرا کنند

**رئیس** - آقای وزیر کشور



**وزیر کشور - بطوری که نماینده محترم اظهار فرمودند در یکی از تبصره های قانون بودجه ۱۳۲۸ وزارت کشور مکلف شده است که کارخانجاتی که مضر سلامتی اهالی باشد آنها را از شهر خارج بکند و دو قسمت یکی هم اجازه ندهد که از این بید چنین کارخانجات یا مؤسساتی که به بهداشت عمومی ضرر میرساند در شهر تأسیس نشود در اجرای این قسمت وزارت کشور بوقع خودش بتمام شهرداری ها ابلاغ کرد، در موقعی که سؤال نماینده محترم بدست من رسید من در تأکید و تأیید اجرای همین قانون شهرداری نوشتم و این قسمت قطعاً اجرا شده که از تاریخ تصویب این قانون دیگر در هیچ شهری اجازه یک تأسیسی که مضر بحال سلامت مردم باشد یا از حیث صدای زیاد و دود داده نخواهد شد یک قسمت دیگر البته درست اجرا نشده بنده این را قبول میکنم و حال در مجلس هم نمیخواهم دلایل را بگویم که شاید بنفع آنهاست که نمیخواهند این قانون را اجرا بکنند تمام نشود خود جنابعالی هم میدانید مثلا یک چیز ساده ای که مربوط باین امر است نظری است که شهرداری ری دارد که اگر این کوره ها را خیلی عقب ببریم شهرداری ری صدمه میزند آنوقت آنها میگورند کوره ها را یکجائی نگذارید که بشهرها صدمه بزند آقای نماینده محترم شهر ری هم این جا نشسته اند این صحبت هست اگر خیلی جنوبی تر ببریم شهر ری برمیخورد (یک نفر از نمایندگان آنها الان هم شکایت دارند) خوب شکایت دارند مقصود بنده این است که الان هم یک اشکالاتی هست و ما الان هم قانون را اجرا میکنیم و اگر هم یک تأخیری شده جهاستی داشته که خودتان هم متوجه هستید که آن جهات باعث شده است که یکمرتبه یک عده زیادی که کار میکردند یک جای مناسبی تعیین بشود که بعد از چند سال باز مجبور نشوند که محل جدید خودشان را ترک کنند از حیث خاک و از حیث آب هم مناسب باشد آنها را با آنجا انتقال بدهیم بنابر این یک قسمت ندادن اجازه است که اجرا شده در کمال سختی هم تعقیب خواهد شد و برخلاف قانون رفتار نخواهد شد یک قسمت انتقال این مؤسسات موجود است که آنها هم اجرا میشود ولی یک فقری باید تأمل بشود که بان هاسدمه زده شود.**

**رئیس - آقای ارباب مهلتی ارباب** - خوشبختانه بین جنوب و شمال شهر یعنی بین حضرت عبدالعظیم و تهران بقبری صحرا وسیع هست که ممکن است طوری این کوزه ها انتقال پیدا کنند (نورالدین امامی - صحرائی وسیع کجا بود سر قبر آقا را بردند و خوردند) که مزاحم مردم شهر ری نشوند اینها یک مظلومی است که مبتنی بر یک نظریاتی است که مأمورین مربوط به اعمال میکنند و این یک عنری است که بدتر از گناه است عرض بنده تنها کوره ها نیست کوره ها یک قسمت شهر را سلب آسایش کرده کارخانجات دیگریست از قبیل کارخانجات آهنگری

و غیره در همین سه راه امین حضور یک صدای را ناراحت کرده اند یک روز نه دو روز نه ۸ سال است که میکند هر چه هم شکایت میکنند کسی بدادشان نمیرسد نمیتوانند که خودشان بهم تعرض بکنند باید قانون موضوع را حل بکنند مأمورین دولت باید قانون را اجرا بکنند تنها کوره هائیت هم مؤسسه است که سلب آسایش میکند از مردم باید با آنها رسیدگی بکنند و استعدا میکنند که توجه بفرمائید و نکته دیگری که خواستم از موقیع استفاده کنم و عرض کنم این است که وسائط نقلیه کرایه ای روزی نیست که صدای را نکشد و میخوایم عرض کنم مسالماً قتلها قتل همدی است یک توجهی باین موضوع هم بفرمائید خود این رویه موجب تزلزل امنیت و سلب آسایش فکری مردم میشود در مجلس سه نفر از رفقای ما خوشبختانه از خطر مرگ گذشته اند خود بنده مکرر شکایت کردم چند روزی خوب اداره می شود، چند روزی بد اداره میشود (صحیح است) بنده نمی دانم روزی که خوب اداره میشود وضع شهر از حیث وسائط نقلیه چه عاملی در کار است و روزی که بد اداره می شود چه عاملی در کار است در حال وضع مردم دستخوش بی نظمی رانندگان وسائط نقلیه است این را استعدا میکنم که توجه بفرمائید و تأکید بفرمائید که درست بشود.

**رئیس - آقای فقیه زاده** - قبل از این که راجع به سؤال از آقای وزیر بهداری توضیح بدهم بعرض می رسانم چند روز قبل تلگرافی به بنده رسیده بود که ملخ مزارع قزوین را تهدید میکنند تلگراف را بجناب آقای وزیر کشاورزی دادم ایشان با کمال حسن نیت بدفع آفات دستور دادند تلگرافاً دستور بکشاورزی قزوین بدهند و اعتبار لازم هم بدهند متأسفانه آقای مهندس شیانی متصدی دفع آفات تا کنون اعتبار لازم حواله نکرده است سهل انگاری متصدی امر شدیداً مورد اعتراض و مستول خسارت وارده از تأخیر حواله می باشد از آقای وزیر فرهنگ که تشریف دارند استعدا میکنم که باین موضوعی که عرض میکنم توجه بفرمائید پریش بنده در قزوین بودم مجلس جشنی بنسب ولادت حضرت حجت در آنجا بود در بلندگو راجع باوقاف بلک فرهنگانی زنده استعدا میکنم که یک نفر بفرستند و این موضوع را رسیدگی کنند اما راجع بسؤال که از آقای وزیر بهداری شده است چند سال است که مرض جذام در بلوک رودبار النوت قزوین پیدا شده مخصوصاً در قسمتی از قراه معروف بناحیه چند نفر از این مجنونین را بخرج شهرداری بجدامیخانه آذربایجان فرستادند متأسفانه اطلاعی هم رسیده که جذامیخانه آذربایجان هم دیگر جا ندارد (بهادری - این هم تعفه برای آذربایجان است) چون آنجا منبع فیض است آنها را به آنجا بفرستند که از حیث هوا و آب آنها آسایش داشته باشند (نورالدین امامی - این را استعدا میکنم برای دخوا ببرد) عده زیادی جذامی فعلاً در محل موجودند این است که از آقای وزیر بهداری سؤال شده چه فکری کرده اند برای آنها دوم اینکه

سؤالی است که در قراه بلوک خرقان قزوین مرض سفلیس پیدا شده و بیداد میکند صدی پنجاه از سکنه آنجا مبتلا بسفلیس هستند واقماً آدم متأثر میشود وقتی میرود آنجا می بیند که مرد دهانش سق ندارد دندانهایش تمام ریخته است یک خانواده ای را من سرخ دارم که تمام بچه هائی که از این خانواده متولد شده اند دهانشان سق ندارد و کورند وسیله معالجه بهیچوجه فراهم نیست یک نفر از اهل محل آقای هدایت الله خان یعنی از جیب ثنوت خودش مقداری آمپول ضد سفلیس خریداری کرد و فرستاد بخرقان تقریباً ۶۰۰ عدد متأسفانه طبیب نبود که این آمپول ها را تزریق کند نامه ایست که از خرقان برای بنده رسیده راجع به همین قسمت می نویسد دوسال قبل از وزارت بهداری آقای دکتر تیرگری با دوفرد دیگر بخرقان آمد فقط برای فورمالین مثل برق دردهات خرقان گردش کرد در هر ده زیادت از یکساعت توقف ننمود در بعضی دهات مختصر آسیرین و فنانستین داد شمارا بخدا تماشا کنید که مرض سفلیس را با آسیرین و فنانستین میخوانند معالجه کنند این که وضع نیست من استعدا میکنم راجع باین موضوع یک توجهی بکنند بیش از این بنده عرضی ندارم

**رئیس - آقای معاونان وزارت بهداری** - آقای دکتر نفیسی در پاسخ دوسؤالی که از طرف آقای فقیه زاده نماینده محترم قزوین از وزارت بهداری شده بود سؤالات یکی مربوط به جذامیهای بلوک رودبار والنوت قزوین است و دیگری مربوط بشیوع بیماری سفلیس در اکثر بلوک خرقان است که راجع بهر دو نتیجه اقدامات وزارت بهداری را استفسار فرموده اند راجع بسؤال اول مربوط به جذامیها در رودبار والنوت باید عرض کنم که وزارت بهداری چندی قبل مأمورینی به محل فرستاده و مطالعات لازم در مورد جذامیها نموده است چون بودجه سال گذشته برای جمع آوری جذامیهای آن محل کافی نبوده در بودجه سال ۱۳۲۹ دو میلیون ریال اضافه اعتبار برای این منظور پیش بینی شده است اولاً جذامیخانه های تبریز و مشهد توسعه یافته ثانیاً در کردستان جذامیخانه دیگری تأسیس شود که گنجایش نگاهداری جذامیهای کشور از جمله جذامی های رودبار والنوت را داشته باشد ضمناً باید عرض کنم که برای درمان بیماران مبتلا به جذام که تا بحال تقریباً غیر قابل علاج شناخته بودند اخیراً داروهائی مؤثری بدست آمده بنام پروتین و دیازون در چندی قبل مقداری از این داروها تحصیل شده و به عده ای از جرمی های تبریز تجویز گردید و نتیجه کاملاً رضایت بخش بود مخصوصاً در دوره اول بیماری در دوره اول بیماری فعلاً یکصد هزار قوس از این داروها سفارش داده شده و تقریباً ۲۵ هزار قوس آن خواهد رسید و امیدواریم که از این قوس ها این عده زیادی از این بیماران استفاده کنند و برای مبتلایانی که در رودبار والنوت هستند دستور فوری داده شده است که فوراً رئیس بهداری محل با همکاری فرماندار محل برودبار بروند و جذامیان را جمع آوری و در محل

مناسبی تحت نظر پزشکبار و مستعظین قرار بدهند که با اعتباری هم که از طرف وزارت بهداری حواله شده است و با اعتباری که باید از طرف شهرداری برسد محالاً امیدواریم که درمان این بیداران میسر باشد اما راجع بسؤال دوم نماینده محترم راجع بشیوع بیماری سفلیس در خرقان بطوریکه خود ایشان اطلاع دارند این بیماری در ۲۳ سال اخیر در آنجا پیدا شده و یکمرتبه بروز کرده بطور ایدمی و در سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ یکبهای مخصوص فرستادیم در محل و بعضی از آنها را تحت مداوا قرار دادند و اکنون هم که راههای کوهستانی مجدداً باز شده است دارو و لوازم بقدر کافی بسته بندی شده و بایک نفر پزشک متخصص آماده حرکت می باشد امیدواریم که از همکاری آقای یعنی هم حد اکثر استفاده می شود ضمناً برای استحضار آقایان نمایندگان محترم می خواستم عرض کنم که علاوه بر مبارزه با مالاریا که در سال گذشته وسال جاری در مناطق مختلف کشور انجام میشود وزارت بهداری در نظر دارد در سال جاری مبارزه دامنه داری بایماری های آمیزشی در نقاط ضروری که از جمله همین خرقان خواهد بود شروع نماید و برای این منظور مبلغی هم در بودجه سال جاری تقاضای اعتبار شده است بهر حال وزارت بهداری کوشش خواهد نمود که در سال جاری قدمهای مؤثری برای جلوگیری از شیوع و بروز بیماریهای آمیزشی که مورد توجه نماینده محترم و سایر آقایان نمایندگان محترم است برداشته شود البته مساعدت هائی که آقایان نمایندگان محترم چه در موقع طرح لایحه بودجه و چه در موقع طرح لوایحی که برای تکمیل کادر ثابت فنی کارمندان وزارت بهداری خواهند فرمود تأثیر مهمی در پیشرفت امر بهداشتی خواهد داشت

**رئیس - آقای فقیه زاده** توضیحی داشتید؟  
**فقیه زاده -** بنده یک توضیح کوچک دارم  
**رئیس -** بفرمائید  
**فقیه زاده -** بنده چون منتقد آقای وزیر بهداری هستم فرمایشات ایشان را کاملاً قبول می کنم و می دانم که اقدام خواهند کرد برای استحضار خاطر آقایان عرض می کنم که این سفری که بقزوین رفتن چون می دانستم بودجه کافی برای مبارزه برای جذام ندارند و کم است از بودجه شهرداری قزوین ده هزار تومان اصلاح بودجه صادر کردند و فرستادیم بوزارت کشور که تصویب کنند و این اعتبار را در اختیار بهداری قزوین بگذارند ضمناً برای مبارزه با مالاریا آقای وزیر بهداری اخیراً اقدام کرده اند از آقای

دادگستری است  
**رئیس** - سؤال مربوط بوزارت فرهنگ را بفرمائید  
**بروهند** - بسیار خوب جناب آقای وزیر فرهنگ روی سختم با جنابعالی است (وزیر فرهنگ بفرمائید) ما در این مملکت هر قدمی که بر میداریم بر میخوریم باشکال بی سواد مردم و واقماً اگر حسن نیتی هم در کار باشد و کسی هم بخواهد خدمتی کند وقتی رسید یک بن بست متوقف میماند قانون تعلیمات اجباری هم بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است دولت متأسفانه نتوانسته یا نتوانسته است که اجرا بکنند به بنده بطور مردم در حال بیسوادی هستند و هیچکاری هم با طبقه بی سواد نمیشود کرد الان دولت قانونی بمجلس آورده است که بیسواد ها را از حق انتخاب کردن محروم بکنند و حق هم دارد برای اینکه این انتخاباتی که بوسیله افراد بیسواد میشود که بهیچوجه از انتخابات و معنی نماینده خیر ندارند حق برایشان نمیشود قائل شد ولی برای آنکه حقی هم از ایشان نباید زایل یا ضایع شود باید در ترویج فرهنگ کمک کرد و دولت علاوه بر آنکه توجهی باین موضوع ندارد تصبیقاتی هم فراهم میآورد (البته این قسمتی که عرض میکنم در زمان جنابعالی نبوده است قبل از جنابعالی این تصمیم گرفته شده است) تصویب نامه ای از هیئت وزراء میگذرد که اشخاصی که بطور داوطلب میخواهند در امتحانات ۶ ساله ابتدائی شرکت بکنند باید به تفری ۱۰ تومان بدهند برای تمبر و حرقهای دیگر آن برای امتحانات دوره اول دبیرستان ۳۰ تومان و برای دوره دوم دبیرستان ۵۰ تومان بنده میخواهم عرض کنم که وقتی بنا شد دولت هیچگونه وسیله ای فراهم نکند برای پاسواد کردن مردم با اینکه این از وظایف حتی و اولیه دولت است اگر یک بیچاره ای آمد و خواست روزگار کند و از آن دسترنج خود امرامش کند و شب در یکی از این آموزشگاههای شبانه برود تحصیل کند این شخص چه جور بیاید ۱۰ تومان بدهد در صورتیکه خیلی از اینها حتی برای یک ورق کاغذیکه برای جلسه امتحان میخواهند معطل بوده اند این چه نوع تصبیبی است که تصویب کرده اند این را بنده میخواستم بخصوص این موضوع را شرح بدهم و بعد هم بفرمائید چه تصبیبی در این مورد گرفته اند چون کم کم دارد بر می شود عده ای از اینها در اصفهان بودند نمیدانم چه شدند آنها را پذیرفتند یا خیر در این جا چه دارد که از بنگاه تعاونی شهاب بنده اظهار قدر دانی کنم که در همه شهرستانها البته خیلی بی سرو صدا بدون تظاهر این بنگاه در پاسواد کردن مردم اقدامات مؤثری نموده و در اصفهان هم اقدامات آن خیلی مؤثر بوده و این موضوعی را هم که عرض کردم بیشتر از شاگردانی بودند که در این بنگاه تحصیل میکردند اند بیخشد یک عرض دیگر هم دارم بودجه وزارت فرهنگ همانطوریکه همه آقایان اطلاع دارند و جنابعالی هم اطلاع دارید بسیار ناچیز است و برای احتیاجات زیادی که ما داریم بسیار کم و ناچیز است

بنا بر این اگر این بودجه هم با باشد حجب و میل بشود معلوم نیست نتیجه و عاقبتش بکجا خواهد انجامید در دستگاه وزارت فرهنگ مخصوصاً آقای سجادیان که نماینده رئیس ساختمان یا حسابداری بوده کدام یک ایشان کفایت کار بهائی کرده و الان هم در اروباست و سوره استفاده هائی کرده است چون اطلاع دارم که جنابعالی اهل اصلاح فرهنگ هستید ایشام بفرمائید و رسیدگی کنید  
**وزیر فرهنگ (آقای کیهان)** - سؤالات زیادی در اینجا زبند شده است یکی همکار محترم بنده جناب آقای دکتر شایگان استاد محترم دانشگاه راجع با آقای شکیبا که ایشان را احضار کردیم بطهران برای این عملی بوده که در کرمانشاه انجام گرفته عرض کنم که ایشان قبل از اینکه بنده تصدی وزارت فرهنگ را پیدا کنم احضار شده بودند ممکن است تشریف بیاورید بر نونده است هست (دکتر شایگان - بنده نگفتم شما کردید دستگاه وزارت فرهنگ کرده) و بنده فوراً یک شفل دیگری باو دادم و نسبت بایشان چیزی نشده است و اما راجع بسؤال آقایان نمایندگان محترم فرمودند اجازه بفرمائید بنده یک یک جواب عرض کنم یک سؤال آقای برومند کرده بودند راجع بموضوع وجهی که از بابت امتحانات گرفته میشود در سال های اخیر مشاهده شده که عده زیادی بدون این که سابقه تحصیلی مرتب داشته باشند در امتحانات شرکت میکنند و چون از عهده امتحانات بر نمی آیند تصور میکنند که سؤالات خارج از برنامه بوده و در نتیجه سبب بی نظمی میشوند و از طرفی برای اینکه حقوق دبیرانی که امتحان میکنند بپردازیم و از این پول یک مقداری کاغذ و دوات و غیره لازم است که اینها خراب میشود و از بین میرود و اعتباری برای این کار نداریم این حق امتحان گرفته میشود و اگر اعتباری معین بفرمائید عرض میکنم چشم ما حرفی نداریم و نمی گیریم آقایان مکی و آزاد نمایندگان محترم هم

**مکی** - اول باید سؤال طرح شود بعد شما جواب بدهید  
**رئیس** - جناب آقای کیهان اجازه بدهید سؤال آقایان مطرح شود بعداً جنابعالی جواب بدهید  
**نورالدین امامی** - جواب آقای برومند را می دهند  
**رئیس** - آقای برومند توضیحی دارید بفرمائید  
**بروهند** - جنابعالی فرمودید که از دو نظر این پول گرفته می شود یکی از نظر اینکه در سالهای اخیر دیده شده است که یک عده ای بدون اینکه یک تحصیلات و معلومات منظمی داشته باشند می آیند و امتحانات شرکت میکنند گرفتن این پول از آنها هیچ تأثیری ندارد آنها وقتی می بینند متأسفانه در دستگاه وزارت فرهنگ مثل دستگاههای دیگر ما رشوه رسوخ پیدا کرده است ب فکر این می افتند که بدون معلومات و بدون آنکه حتی سواد داشته باشند



پایه در امتحانات هر گز بکنند و بعد بسته نرخ روز آن رئیس فرهنگ یا رئیس امتحاناتی که آنجاست در امتحانات ۱۳۲۷ اسفهان دیلم ۲۰۰۰ تومان به فروش میرفت برای کسی که ۲۰۰۰ تومان به دیلم می دهد چه مانعی دارد که ۲۰۰۰ تومان بدهد این لفظ صدمه اش به کسی می خورد که شیزحمت کشیده و پول قلم و کاغذ هم ندارد و شاید نان شب هم ندارد و در جلسه امتحانات شرکت میکنند بنا بر این گرفتن وجه از این نظر هیچ تأثیری ندارد و یکی دیگر آنکه فرمودید که برای معارج متحین است که در شهرستانها امتحان میکنند این حرف صحیح و منطقی نیست که مردم از طرفی ۱۲۰۰ میلیون مالیات بدولت بدولت بدهند و از طرف دیگر چهار نفر ماموری که معین میشوند برای امتحان یک پولی هم برای آنها بدهند اینکار معنی ندارد بودجه وزارت فرهنگ بنده تصدیق میکنم بسیار کم است خیلی خیلی کم است دولت باید اضافه کند یک قدری هم از این سوء استفاده ها و آن وجوهی که بنامهای مختلف حیف و میل میشود آن پولهایی که در مناقصه ها و مزایده ها از بین می رود جلوگیری کند و الا با این وضع نباید جلو مردم را گرفت و از تحصیل باز داشت و نگذاشت که در امتحانات شرکت کنند این جواب بقیده بنده قانع کننده نبود و استدعا میکنم آقای وزیر فرهنگ توجه بیشتری در این باره فرمایند.

**وزیر فرهنگ** - عرض کنم که همانطوری آقایان محترم میدانند در تمام دنیا رسم است که برای امتحانات یک حقی میگیرند (مکی - تعلیمات اجباری پس دروغ است) مربوط به تعلیمات اجباری نیست تعلیمات متوسطه است (مکی - تصدیق ۶ ساله راهم میگیرند ابتدائی را چرا میگیرند) ما مجبوریم یکمقداری بپردازیم بیکه ای از دبیران و برای اینکار پول لازم است که اینها عکار کنند از کجایا و درم بدهیم یک بودجه ای معلوم کنید تا بدهیم (مکی - ابتدائی را چرا میگیرند؟) ابتدائی را ممکن است معاف کنیم ولی از ابتدائی به بعد را میگیریم (برومند - پس ابلاغ فرمایند به شهرستانها که از امتحان ابتدائی نگیرند) چون مجبوریم و راجع به سؤال آقایان مکی و آزاد راجع باراضی شیران

**رئیس** - آقای کیهان تأمل فرمایند باشد تا سؤال آقایان مطرح شود آقای دکتر شایگان فرمایند

**دکتر شایگان** - بنده عرض نکردم که جناب آقای کیهان ایشانرا احضار کردند بمکس بنده عرضی که کردم این بود که جناب آقای کیهان در کمال دقت و در کمال درستی رسیدگی کردند و امر صادر کردند که این شخص باید برگردد بنده شکایتیم از دستگاه وزارت فرهنگ بود که یک وزیر صدیق یک دستوری میدهد با حقه بازی نمی گذارند این دستور اجرا شود والا بنده ایرانی جناب آقای وزیر فرهنگ ندارم.

**رئیس** - دقیقه بوقت باقی است یک سؤالی آقای کیهان دارند (کلهبد بنده سه سؤال دارم و هر

کدام یک ربع وقت میگیرد اگر اجازت میفرمایند عرض کنم) (بعضی از نمایندگان - جلسه سه ساعت تمام شد) سه ساعت که نوشته شده کمتر نباید بشود اگر هم ده دقیقه زیاد باشد مانعی ندارد فعلا سؤالی که راجع به قندو شکر شده طرح میشود.

**کلهبد** - عرض کنم دو سؤال راجع به قندو شکر کرده ام که فعلا یکی را طرح میکنم عرض کنم سؤالی که بنده کرده ام از جناب آقای وزیر دارائی است که برای استحضار آقایان محترم عرض میکنم بر طبق قانونی که در ۲۱ تیر ماه ۱۳۲۷ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت و طبق آن لازم است کلیه کالاهائی که با ارز دولتی وارد کشور شده و میشود طبق این قانون باید با سود صدی پانزده در اختیار مصرف کنندگان گذاشته شود حالا بنده با کیفیت خرید قند کار ندارم آن مورد سؤال دوم بنده است که تقدیم میکنم برای جلسه آتی (وزیر دارائی - حالا بفرمایند) آن راجع به کیفیت خرید است بنده استدعا می کنم این بود که صورت خرید ها و بچه کیفیت این خریدها شده بعرض نمایندگان محترم برسانم (رئیس - اکثریت نیست بگذرید تأمل فرمایند) پس از چند لحظه اکثریت حاصل شد آنچه مسلم است بنده عرض میکنم بطور مسلم هر کیلو قند بین سه ریال ونیم و چهار ریال تمام شده و در حدود دو ریال هم عوارض قانونی از قبیل حق انحصار و تفره ای که باید بدولت پرداخت شود تعلق میگیرد و بوجهی که این قند و شکر کیلویی در حدود ۶/۱۰ ریال با تمام عوارض قانونی تمام میشود و هر قدر هم جناب آقای وزیر دارائی بخواهند بنده خودم حاضر و میتوانم از قرار کیلویی چهار ریال و سی و پنج دینار در سرحد تحویل دولت بدهم دو ریال هم عوارض قانونی است ولی ۱۷ ریال در بازار خرید و فروش میشود ده ریال اضافه خرج از مردم میگیرند در صورتیکه طبق قانون ۳۱ تیرماه بیایستی کالاهائی که با ارز دولت وارد میشود با سود صدی ۱۵ فروخته شود (صده ای از نمایندگان - صحیح است) آقایان به بنیام این وزارت دارائی و دستگاه اقتصادی دولت مشمول این قانون هست یا خیر؟ بنابراین میخواستم تنها کنم که بجای اینکه ۷ ریال که حد اکثر تمام شده است و با سود صدی پانزده در حدود ۸ ریال میشود ۱۷ ریال از مردم گرفته میشود و این دستگاه دولت و این کسانی که قوانین را زیر پا می گذارند و ترتیب اثر نمی دهند آیا مورد تعقیب قرار می گیرند یا خیر؟ بنده عرض می کنم یکی از هدفهای دولت و حتی تمام آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی اینست که هزینه زندگی بیاید باین هزینه و ندگی چه جور یابین می آید باین ترتیب که بر مصارف عمومی کمتر تحمیل بشود (ازدلان - صحیح است) بر خوراک و ملزومات مردم نباید این اندازه مالیات وضع شود آنها هم مالیات و عوارض غیر قانونی هر قدر آقایان بخواهند مالیات بگیرند از مردم لایحه اش را بیاورند بمجلس شورای ملی در این مجلس اگر مقتضی بود که آقایان تصویب

می فرمایند و شما آنرا اجرا کنید و بگیرید و الا هم بطور عوارض گرفتن نمی شود و من عرض می کنم این برخلاف هر اصل قانونی است البته موضوع چای را هم می خواستم عرض کنم ولی چون موضوع سؤال نیست این را جلسه دیگر عرض می کنم فقط تمنای بنده اینست که بگویند این صدی ۱۵ سود در دولت بیشتر می گیرد یا نه اینجا می گویم که حساب بدهند چون بنده خودم اهل حساب هستم و بقیه عرض را انشاء الله جلسه آتی عرض می کنم.

**رئیس** - آقای وزیر دارائی.

**وزیر دارائی** - تصور می کنم که برای آقای کلهبد یک سوء تفاهمی حاصل شده باشد چه اگر این موضوع را قبلا از وزارت دارائی سؤال می فرمودند برای ایشان توضیح داده می شد که نه فقط وزارت دارائی سوء استفاده ای نکرده و از حدود مقررات قانونی تجاوز نکرده بلکه یک قدری هم کمتر از صدی ۱۵ سود کمتر از مردم گرفته حالا موضوع را عرض می کنم طبق توضیحاتی که اداره مربوطه به بنده داده است خریداری شکر تاکنون هرتن در حدود ۴۹ لیره برای دولت تمام شده است که قیمت هر کیلو شکر مساوی با ۵۰ ریال آنوقت بر این مبلغ بابت حق انحصار و عوارض گمرک اضافه میشود ۳۶۵ ریال عوارض بسود شهرداریها بیکریال کرایه راه آهن ۱۴۰ ریال کرایه حمل از مرکز شهرستانها هر کیلو بیکریال حق بیمه بیست دینار کرایه انبار در شهرستانها ۱ ریال جمع می شود ۱۳۲۵ ریال و چون هر کیلو شکر ببلغ ۱۶۱۰ ریال فروش می رسد البته سود حاصل از این فروش کمتر از صدی ۱۵ است از طرفی شکر را دولت از کارخانجات داخلی میخرد از قرار ۱۳ کیلویی ۱۳ ریال و با پرداخت ۲۷۵ ریال حق عوارض گمرکی و بیکریال عوارض شهرداری و حد اقل ۲ ریال کرایه از کارخانجات به شهرستانها که جمعا ۱۸۷۵ ریال برای دولت تمام میشود و در مقابل هر کیلویی را دولت از قرار ۱۶۱۰ ریال بفروش میرساند و از این قرار کیلویی ۲۶۵ ریال بریان دولت تمام میشود بنابراین تصدیق می فرمایند که سود دولت من حیث المجموع از صدی ۱۵ هم کمتر است.

**رئیس** - آقای کلهبد قانع شدید؟

**کلهبد** - بنده تصور میکنم که این حساب جناب آقای وزیر دارائی اشتباه باشد برای اینکه نرخ رسمی ۴۹ لیره در ۹۰ ریال وقتی حساب کنیم خرید هر کیلو شکر چهار ریال و چهل دینار میشود و کرایه را ایشان در یک و دو و سه فقره جمعا ۳۴۰ ریال حساب کردند و این مبلغ نیست کرایه و تفره کرایه راه آهن را ببینیم خودم خدمتان تقدیم میکنم حداکثر کرایه طبق تفره راه آهن از بندر تا طهران کیلویی شصت دینار است سه عیاسی دوریال خورده ای نزدیک به ۳ قران اشتباه است (یکی از نمایندگان - این را رئیس دفتر شان نوشته) سه ریال اشتباه چرا عرض کنم کرایه انبار نوشته اند یک ریال کرایه انبار یک خرج کوچکی

است اینقدر نمیگیرند و بنده هم حاضرم انبارداری را با یک مبلغ خیلی کمتری قبول کنم آقایان بنده دلیل دیگر دارم پس چرا از هدای از بازرگانان ۱۰ ریال بعنوان سود بازرگانی گرفتید و آنها آوردند بآن نیست دولتی هم فروختند این حرفها صحیح نیست حالا قطع نظر از اینکه در اصل خود خرید بنده حرف دارم (آزاد - آن سال انگلیسهاست) (مکی - شکر انگلیسها شیرین تر است) این خرید چهار لیره اضافه تر از میزان معمولی خریداری شده است بنده سند دارم (هدای از نمایندگان - صحیح است) و خدمتتان تقدیم میکنم که خودتان ببینید و قضایا روشن شود بنده نمیخواهم خلاف عرض کنم بخدا اینها از بیت المال مردم است پولی که گرفته میشود باید در خرجش دقت شود این خرید ۴ لیره از اصل گرانتر است (ناظرزاده - دولت تاجر بدی است) (ازدلان - دخالت دولت بیخود است چرا آزاد نمیکنید بگذارید آزاد شود مردم وارد کنند) بلکه دولت تاجر بدی کارخانه چی بدی است زارع بدی است دولت باید اجرای قانون را فقط در

نظر بگیرد نه اینکه هر چه دولت خواست بگیرد باید بوسیله قوانین مصوب مجلس بگیرد اینک میفرمایند ۱۳/۷۵ ریال قریب ۵/۱۰ ریال آن اضافه است بیکریال و خورده ای بابت کرایه انبار است در عرف تجارت این حرفها نیست ما آقا اهل حسابیم شکر تاثرالطف کنید آقا بنده میهم با کمال دقت نگاه دارید و ربع این مبلغ را از شما بگیرند کرایه راه آهن هم چون تفره اینجا نیست درست نیست و بنده گمان میکنم سه عیاسی است بعضی از آقایان می فرمایند بیکقران و یک عیاسی است در قسمت خرید هم از هرتن ۴۹ لیره از قرار ۹۰ ریال ۴/۱۰ ریال می شود مجموع اینها قریب پنج ریال خورده ای می شود این هم یک اشتباه پس ۳۳ درصد اضافه تر از قیمت تمام شده میفروشند (صدی پانزده اینها هم حساب است اگر اجازه بفرمایند بنده حسابش را می نویسم و خدمتتان تقدیم میکنم که خودتان تصدیق فرمایند دریا کی آقا هیچکس تردیدی ندارد ولی متأسفانه دستگاه خراب است دستگاه را باید پاک نمایند که حساب سازی برای شما نکنند و البته در این حسابهایی که درست شده و خدمت شما تقدیم شده خلاف عرض کرده اند

**وزیر دارائی** - توضیحاتی که بنده عرض کردم مربوط بگذشته بود و از روی ارقامی بود که در وقت آن وقت شده و بنده جریان را عرض میکنم حالا اگر آقایان نظریات اصلاحی دارند بفرمایند بنده مورد استفاده قرار خواهم داد اما راجع به اینکه فرمودند که دولت تاخر خوبی نیست بنده هم کاملا موافق بنده وقتی که وزیر دارائی شدم در فکر این بودم راهی باز کنم که کلا این وضع نجات پیدا کنیم (هدای از نمایندگان - احسن) و این کارها کار وزارت دارائی نیست که شکر بخریم یا بفروشیم و در سهمیه امسال هم نصف آنچه که برای مملکت منظور شده ما برای تاجر گذاشتم که تقاضا کنیم وارد کنند ولی متأسفانه حاضر نشدند اگر جناب عالی آنها را حاضر بکنید بنده حاضر صد درصد سهمیه را به آقایان واگذار کنم (احسن)

**۴ موقع و دستور جلسه بعد ختم جلسه**

**رئیس** - جلسه را ختم میکنم جلسه آینده روز سه شنبه پس فردا ساعت ۹ دستور قانون فروش خالص آذین نامه داخلی مجلس

(جلسه در پنج بعد از ظهر ختم شد)

**رئیس مجلس شورای ملی** - رضاحمت